

پژوهشهای حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۸

هزار و سیصد و نود و چهار - نیمسال دوم

- استقلال یا عدم استقلال مسجد: تحلیلی بر طرح «حمایت از مدیریت، احداث، تجهیز و
نوسازی مساجد و نمازخانه‌های کشور»
بابک درویشی - کیوان صداقتی
۵
- بومی‌ها و جوامع محلی در حقوق بین‌الملل حفاظت از جانوران وحشی
ژانت الیزابت بلیک - فاطمه رضائی‌پور
۱۷
- تحلیل تطبیقی مسؤلیت مدنی مراقب نسبت به اعمال اشخاص نیازمند مراقبت در حقوق
ایران و انگلیس
علیرضا یزدانیان - الناز قدسی
۶۵
- مشروعیت عفو در حقوق بین‌الملل
مهین سبحانی
۸۵
- جرایم بین‌المللی ارتكابی داعش در پرتو عدالت کیفری
آرمین طلعت
۱۰۷
- معاهدات در گذر زمان در رویه قضایی: ارزیابی رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده
اختلاف بین کاستاریکا و نیکاراگوئه
فرزانه سیف‌زاده
۱۳۳
- معیارهای تحدید حقوق و آزادی‌های بشر
یلدا خسروی
۱۷۱
- نقش اتحادیه ملل امریکای جنوبی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای
علیرضا رنجبر
۱۹۹
- نام و علامت تجاری؛ فرایند ثبت و حقوق ناشی از آن
عیسی رجبی
۲۲۱
- جایگاه ممتاز بزه‌دیده در دادرسی کیفری اسپانیا
محمدعلی مهدوی ثابت - احسان عباس‌زاده امیرآبادی
۲۴۳





http://jlr.sdil.ac.ir/article_31974.html

بومی‌ها و جوامع محلی در حقوق بین‌الملل حفاظت از جانوران وحشی

ژانت الیزابت بلیک*

فاطمه رضائی‌پور**

چکیده:

عرصه بین‌الملل در چند دهه گذشته شاهد ظهور تنوعی از بازیگران غیردولتی از جمله بومی‌ها و جوامع محلی بوده است و تأکید تدریجی بر رهیافت‌های پایین به بالا نسبت به توسعه پایدار، بر ضرورت وجود این بازیگران صحنه گذارده و قدرت بخشیدن به آنها را شرطی اساسی در مبارزه با چالش‌های جهانی قلمداد نموده است. مقاله حاضر در پی آن است که میزان امتزاج ارزش‌ها و اعمال سنتی بومی‌ها و جوامع محلی را در سیاستگذاری‌های بین‌المللی تعیین و جایگاه گروه‌های مزبور را به ویژه در حقوق بین‌الملل حفاظت از جانوران وحشی مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها:

بومی‌ها و جوامع محلی، دانش سنتی، توسعه پایدار حقوق بین‌الملل حفاظت از جانوران وحشی، حقوق بشر، حقوق میراث فرهنگی، حقوق مالکیت فکری.

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۲۸، نوبت دوم ۱۳۹۴
صفحه ۱۷-۶۴، تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۶/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

۱. عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی.
Email: jeb_sbu@yahoo.co.uk
۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی.
Email: frezaipour@gmail.com

مقدمه

عرصه بین‌الملل در چند دهه گذشته شاهد ظهور تنوعی از بازیگرهای غیردولتی از جمله بومی‌ها و جوامع محلی بوده و تأکید تدریجی بر رهیافت‌های پایین به بالا نسبت به توسعه پایدار، بر ضرورت وجود این بازیگران صحنه گذارده و قدرت بخشیدن به آنها را شرطی اساسی در مبارزه با چالش‌های جهانی قلمداد نموده است.

از دست رفتن تنوع زیستی - که بخش اعظم حیات بشر به آن وابستگی شدیدی دارد - از جدی‌ترین بحران‌های پیش روی جهانیان است. بخش عظیمی از تنوع زیستی سیاره ما به واسطه تغییر و تبدیل زیستگاه، برداشت بیش از حد از منابع طبیعی و معرفی گونه‌های غیربومی، در معرض تهدید به انحطاط و نابودی است. بخش زیادی از تنوع زیستی باقی‌مانده، متمرکز در مناطق مسکونی بومی‌ها و جوامع محلی است که برای آنها نابودی تنوع زیستی می‌تواند به منزله نابودی تنوع فرهنگی باشد. این جوامع از سویی قربانیان انحطاط محیط زیستی‌اند و از سوی دیگر حامیان اکوسیستم‌های صدمه‌پذیر. این مردم فعالانه از طبیعت بهره‌برداری می‌کنند و آن را برای امرار معاش و مقاصد فرهنگی توسعه می‌بخشند. توسعه پایدار به بشریت اجازه می‌دهد تا از زندگی حفاظت کند و حق همه مردم را به بهبود کیفیت زندگی و بهره‌مندی از محیط زیست سالم به رسمیت می‌شناسد؛ اما اعمالی همچون شکار و برداشت از منابع طبیعی ممکن است در تضاد با قوانین زیست‌محیطی باشند به ویژه آنجایی که مربوط به حفاظت از جانوران وحشی است. در این راستا عدالت محیط زیستی برای بومی‌ها و جوامع محلی می‌تواند به معنای شناسایی حق مالکیت آنها بر زمین و دیگر منابع مورد استفاده سنتی آنها و نیز اجازه برای مشارکت مؤثر در مدیریت منابع و تصمیم‌گیری و تضمین سهمی عادلانه از سود ناشی از استفاده از منابع محیط زیستی باشد. چالش اصلی آن است که تعیین کنیم چگونه حقوق خاص برای بخشی از جامعه را می‌توان با مسؤلیت دولتی حاکم آشتی داد تا استانداردهای حفاظت محیط زیستی حفظ و توسعه پایدار تضمین شود.

بومی‌ها و جوامع محلی

اغلب در اسناد مشاهده می‌شود که واژه‌های بومی‌ها و جوامع محلی در کنار یکدیگر به کار می‌روند، اما در واقع بومی‌ها و جوامع محلی از حقوق بشری یکسان برخوردار نبوده و به یک معنا نیستند.^۱ «این با هم آبی در رژیم‌های محیط زیستی بین‌المللی دو تفسیر ممکن

1. D. A. Posey and G. Dutfield, *Beyond Intellectual Property: Toward Traditional Resource Rights for Indigenous Peoples and Local Communities*, International Development Research Center, Ottawa, 1996.

را در بردارد. در نخستین تفسیر، جوامع بومی، به واسطهٔ حجم موضوع‌های ویژهٔ بومی‌ها در اسناد، پُر رنگ‌ترند. دومین تفسیر آن است که حقوق اعطایی به جوامع بومی، باید گسترش یابند و هر نوع جامعهٔ محلی را نیز در برگیرند.^۱ با علم بر این تفاسیر، با هم آیی دو واژهٔ «بومی‌ها» و «جوامع محلی» را در سراسر این پژوهش شاهد خواهیم بود. واقعیت این است که جامعهٔ بین‌الملل اشاره‌ای به معنای حقوقی جوامع محلی نداشته است، شاید برای اینکه فضایی حقوقی را برای دولت‌ها باز بگذارد تا خود انتخاب کنند چه کسی باید صاحب اختیار و قدرت باشد؛ اما در حوزهٔ کنوانسیون تنوع زیستی، جوامع محلی، جوامعی سنتی‌اند که نشان می‌دهد رفتار و نه مکان زندگی و شمار جمعیت، حوزهٔ مفهومی این واژه را مشخص می‌کند. احترام به اعمال سنتی حقی است که به جوامع محلی تفویض می‌شود. در جوامع انسانی، قصد و نیت، باورها، منابع، ترجیح‌ها، نیازها، مخاطره‌ها و بسیاری از دیگر شرایط ممکن است مشترک بوده و بر هویت اعضای این جوامع و درجهٔ پیوستگی بین آنها تأثیرگذار باشند.^۲ در سطح بین‌الملل، تعریفی که سازمان بین‌المللی کار^۳ از این جوامع در کنوانسیون شمارهٔ ۱۶۹ جوامع بومی و قبیله‌ای^۴ ارائه می‌دهد، از حمایت گسترده‌ای برخوردار است. در این تعریف «جوامع بومی و قبیله‌ای به کسانی اشاره دارد که شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنها را از سایر بخش‌های جامعه متمایز کرده و وضعیت‌شان، تماماً یا بخشی، به واسطهٔ رسوم یا سنت‌های خود یا قوانین و مقررات ویژه تنظیم می‌شود. این‌گونه افراد بومی نامیده می‌شوند چراکه از تبار آنهايي هستند که در کشورشان یا منطقهٔ جغرافیایی‌ای که کشورشان در آن قرار دارد در زمان فتح یا استعمار یا ایجاد مرزهای فعلی کشورشان سکونت داشته و صرفنظر از موقعیت حقوقی‌شان تمام یا بخشی از نهادهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود را حفظ کرده‌اند»^۵.

اما مشهورترین تعریف را خوزه مارتینز کوبو، گزارشگر ویژهٔ کمیسیون فرعی سازمان ملل در خصوص گسترش و حمایت از حقوق بشر، بیان نموده است. وی در زمان انجام تحقیقی خاص روی مسألهٔ تبعیض علیه بومی‌ها، تعریفی کاربردی از مردمان بومی به شرح زیر ارائه داده است: «جوامع، مردمان و ملل بومی آنهايي هستند که در پیوستگی تاریخی با جوامعی

1. <http://www.uow.edu.au/~sharonb/STS300/equity/meaning/integen.html>

2. <http://en.wikipedia.org/wiki/community> available through <http://www.jstor.org/stable/2385406>.

3. ILO

4. *The International Labor Organization Convention 169 Concerning Indigenous and Tribal Peoples in Independent Countries*, 27 June 1989, 28 ILM 1382 (1989).

5. G. Dutfield, "Protecting Traditional Knowledge and Folklore: A Review of Progress in Diplomacy and Policy Formation", *UNCTAD-ICTSD Project on IPRs and Sustainable Development UNCTAD-ICTSD ISSUE Paper No.1*, 2003.

که پیش از یورش و پیش از استعمار در سرزمین‌هایشان ایجاد شده‌اند، خود را متمایز از بخش‌های دیگر جوامع فعلی در سرزمین‌هایشان یا بخش‌هایی از سرزمین‌هایشان می‌دانند. این دسته از مردم، بخش‌های غالب و نافذ جامعه نیستند و مصمم‌اند که سرزمین‌های آبا و اجدادی و هویت نژادی خود را به عنوان پایه دوام وجودی خود و مطابق با نهادهای فرهنگی و اجتماعی و سیستم‌های حقوقی خود حفظ نموده و گسترش داده و به نسل‌های آتی منتقل نمایند.^۱

این پیوستگی تاریخی شامل تداوم یک یا چند عامل زیر تا زمان حال می‌شود: اشغال زمین‌های آبا و اجدادی یا دستکم بخشی از آنها، اجداد مشترک با اشغالگران اصلی این زمین‌ها، فرهنگ، به طور کلی یا در نموده‌های خاص آن (مانند مذهب، زندگی تحت سیستم قبیله‌ای، عضویت در جامعه بومی، پوشاک، وسیله معاش، روش زندگی و غیره)، زبان (چه تنها زبان مورد استفاده باشد، زبان مادر باشد، وسیله معمول برقراری ارتباط در خانه و خانواده باشد یا زبان اصلی و ممتاز و همیشگی)، اقامت در نقاط خاصی از کشور یا مناطق خاصی از جهان، دیگر عوامل مربوطه.

«در سطح فردی، بومی کسی است که به این جمعیت‌های بومی به واسطه حق بر تعیین سرنوشت تعلق دارد و به عنوان عضو مورد شناسایی و پذیرش این جمعیت‌هاست. این امر به جوامع بومی حق حاکمیت و قدرت می‌بخشد که بدون مداخله خارجی تعیین کنند چه کسی به آنها تعلق دارد.»^۲

دانش (بوم‌شناختی) سنتی^۳

با مطالعه ادبیات موضوعی، روشن می‌شود که از دانش سنتی، با توجه به حوزه‌های زیر، تعبیر و تفاسیر گوناگونی در دست است:^۴

هویت و طبیعت جوامع دارای دانش سنتی، رابطه بین دانش سنتی و دیگر اشکال دانش، حیطة نوآوری دانش سنتی است و حقوق اموال در جوامع نیز دانش سنتی، فولکلور و دانش سنتی در حوزه عمومی دارد.

دانش سنتی معمولاً به دانشی اشاره دارد که مرتبط است با محیط و نه آثار هنری، صنایع دستی یا دیگر آثار و نموده‌های فرهنگی (که از عناصر فولکلور محسوب می‌شوند).

1. Jose Martinez Cobo, Study of the Problem of Discrimination Against Indigenous Populations, UN Document E/CN.4/Sub.2/1986/7Add.4, Para. 379.

2. Ibid, Paragraphs 379-382.

3. Traditional (Ecological) Knowledge

4. G. Dutfield, *Intellectual Property, Biogenetic Resources and Traditional Knowledge*, Earthscan, 2004.

«دانش سنتی به طور اساسی به دانش جوامع بومی و قبیله‌ای (با توجه به تعریف سازمان بین‌المللی کار در کنوانسیون ۱۶۹ جوامع بومی و قبیله‌ای از این جوامع) اشاره دارد و از آنجایی که دارندگان دانش سنتی، به طور معمول، اعضای چنین جوامعی‌اند، گاهی عبارت دانش بومی به جای دانش سنتی استفاده می‌شود.»^۱ چون تعریف دانش سنتی مشکل است، بعضی متخصصان تلاش نموده‌اند معنای آن را با وضوح بیشتری نشان دهند. در این راستا، راه‌های ایجاد، ثبت و انتقال این دانش به این شرح توصیف می‌شود: به طور شفاهی ثبت و منتقل می‌گردد، از طریق مشاهده و تجربه مستقیم و عملی آموخته می‌شود، بر پایه این درک است که عناصر مادی نیروی حیات دارند، حیات انسانی را مافوق دیگر عناصر زنده و غیرزنده نمی‌داند، بلکه مبتنی بر این باور است که تمامی اشکال حیات به یکدیگر وابسته‌اند، شهودی است و نه تحلیلی؛ عمدتاً کیفی است تا کمی.

بر پایه داده‌های در زمانی است و نه همزمانی، ریشه در آن سیاق اجتماعی دارد که جهان را بر حسب روابط اجتماعی و معنوی بین تمامی اشکال حیات می‌بیند، توضیحش از پدیده‌های محیط زیستی را از تجربه‌های جمعی و اشتراکی و اغلب معنوی می‌گیرد. یک چنین توضیحی روزانه یا فصلی و در دوره‌های سالانه فعالیت، کنترل، اعتبارسنجی و تجدید نظر می‌شوند.^۲

در نظر برخی، دانش سنتی، دانشی باستانی است و عمدتاً فاقد خلاقیت و نوآوری است. در غیر این صورت نمی‌تواند سنتی باشد، اما تحقیقات تجربی جدید روی جوامع سنتی این نظریه را بی‌اعتبار ساخته‌اند. «آنچه دانش سنتی را سنتی می‌کند قدمتش نیست، بلکه روش اکتساب و استفاده از آن است. به عبارت دیگر فرایند اجتماعی یادگیری و تسهیم دانش که برای هر فرهنگ، منحصر به فرد است، در همین سنتی بودنش قرار دارد. بیشتر این دانش در واقع تقریباً جدید است، اما دارای چنان معنای اجتماعی و ویژگی حقوقی است که آن را از دانشی متمایز می‌سازد که بومی‌ها از جوامع صنعتی شده کسب می‌کنند.»^۳

کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ سازمان ملل و معاهده بین‌المللی فائو روی منابع ژنتیکی گیاهان برای غذا و کشاورزی^۴ نشان می‌دهند که دانش بوم‌شناختی سنتی به طور روز افزون در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل محیط زیست مورد توجه قرار می‌گیرند. در سال ۱۹۹۲، دستور کار ۲۱ نیز بر نیاز به شناخت ارزش‌ها، دانش سنتی و مدیریت منابع بومی‌ها و دیگر

1. Ibid, 92.

2. Dutfield, Ibid, 93-94.

3. R. L. Bursh, "Indigenous Knowledge and Biodiversity in Indigenous Peoples, their Environment and Territories" in: D. A. Posey (ed.), *Cultural and Spiritual Values of Biodiversity*, IT Publications, 1999.

4. International Treaty on Plant Genetic Resources for Food and Agriculture, Nov. 3, 2001, available online at: <http://www.fao.org/Legal/TREATIES>.

جوامع محلی (مانند کشاورزان) تأکید نمود. اصل ۲۲ سند مزبور بر این امر اشاره دارد که بومی‌ها و جوامع‌شان و دیگر جوامع محلی، به دلیل دانش و اعمال سنتی‌شان، نقش حیاتی در توسعه و مدیریت محیط زیستی دارند؛ بنابراین کشورها باید هویت، فرهنگ و علایق آنها را شناسایی نموده و حمایت شایسته‌ای از آنها به عمل آورند و در دستیابی به توسعه پایدار، مشارکت مؤثر آنها را تأمین نمایند. این امر نیازمند آن است که بین موازین کاملاً اقتصادی و فایده‌گرا که نظام‌های حقوقی به طور سنتی بر مالکیت فکری اعمال می‌دارند و ارزش‌های فرهنگی و معنوی که ذاتی تنوع زیستی‌اند، توازنی ایجاد شود. اعلامیه بوداپست (۱۹۹۹)^۱ نیز در بخش‌هایی به اهمیت دانش سنتی بومی‌ها و جوامع محلی پرداخته و در ماده ۳۸ خود و در دفاع از حقوق صاحبان دانش سنتی چنین می‌گوید: «لازم است چارچوب‌های حقوقی مناسبی را در سطح ملی گسترش داد تا نیازهای خاص کشورهای در حال توسعه، دانش سنتی و منابع و محصولات آن را در خود جای دهند و شناسایی و حمایت از آنها را براساس رضایت اعلام شده واجدین عرفی و سنتی این دانش تضمین کنند.»

رضایت آزاد و از پیش اعلام شده^۲

رضایت آزاد و از پیش اعلام شده در ابتدا به عنوان واژه‌ای در پزشکی و برای تضمین حقوق بیماران برای اعلام رضایت پیش از هر گونه درمان پزشکی یا دارویی، استفاده شد، اما امروزه به عنوان حقی سیاسی است که در وضعیت‌های دیگر مرتبط با بومی‌ها به کار گرفته می‌شود.^۳

کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ سازمان ملل منتهی به تصویب چهار سند عمده از جمله دستور کار ۲۱ شد. این کنوانسیون همچنین نقش حفاظت از منابع زیستی در محل طبیعی خود را که مستلزم حفظ روش زندگی معلومات خاص دارندگان سنت است و نیز شناسایی ضرورت وجود بومی‌ها و جوامع محلی برای موفقیت سیاست‌های حفاظت از تنوع زیستی در محل طبیعی خود را دارای اهمیتی اساسی می‌داند. این شناسایی، اشاره‌ای ضمنی دارد بر نیاز به ایجاد سازوکارهایی برای ارتقای خود دانش سنتی و تقویت قابلیت زیستی جوامع دارنده آن. در بین اهداف این سند، اهدافی مدیریت محور وجود دارد که لازم است دولت‌ها با هدف حفاظت از تنوع زیستی تعقیب نمایند. از جمله این اهداف، ارتقای نظام‌های تولید

1. World Conference on Science, Declaration on Science and the Use of Scientific Knowledge, Budapest, 1999 online available at: http://www.unesco.org/general/eng/programmes/science/wcs/eng/declaration_e.htm.

2. Free Prior Informed Consent

3. http://www.manitobachiefs.com/policy/research/documents/FPIC_ENG_11;908WEB.pdf.

پایدار همچون روش‌های سنتی کشاورزی را می‌توان یافت که باعث حفظ و گسترش تنوع زیستی می‌شوند و نیز اقداماتی که باید برای احترام به ثبت، حفاظت و گسترش کاربرد وسیع دانش، نوآوری‌ها و اعمال بومی‌ها و جوامع محلی انجام پذیرند^۱ که روش‌های زندگی سنتی را برای حفاظت از تنوع زیستی در پیش می‌گیرند، ده سال بعد در اجلاس ژوهانسبورگ^۲ از مسأله تنوع زیستی به عنوان یکی از نیازهای اصلی برای دستیابی به توسعه پایدار و حفظ تمامیت فرهنگی یاد شد. همچنین در بیانیه این اجلاس بر اهمیت کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ سازمان ملل به عنوان ابزار کلیدی در حفاظت و توسعه پایدار، استفاده پایدار از تنوع زیستی تأکید شد. در میان بیست موازینی که دولت‌ها برای تضمین اجرای کامل اهداف این پیمان باید اتخاذ کنند، موازینی مرتبط با دانش سنتی وجود دارد، از جمله برای شناسایی حقوق بومی‌ها و جوامع محلی که دارندگان این دانش سنتی، نوآوری‌ها و اعمال هستند و نیز موازینی برای ارتقای مشارکت مؤثر بومی‌ها و جوامع محلی در تصمیم‌گیری در خصوص استفاده از دانش سنتی آنها. اهمیت تأیید، رضایت یا موافقت بومی‌ها در هنگام سروکار داشتن با تنوع زیستی تحت کنترل آنها، در بیانیه پایانی فرایند مشورت برنامه توسعه ملل متحد با بومی‌ها و تنوع زیستی^۳ و کنفرانس‌های متعدد بومی‌ها به ویژه اعلامیه ماتاتوا^۴ ۱۹۹۳ برای حقوق مالکیت فرهنگی و فکری بومی‌ها^۵ تصریح شده است. اعلامیه سازمان ملل در مورد حقوق بومی‌ها^۶ نیز در بسیاری از مواد خود حق رضایت آزاد و از پیش اعلام شده و الزام دولت‌ها به کسب این رضایت را تأیید می‌کند.

توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار، برای نخستین بار با انتشار گزارش کمیسیون برونتلند در حقوق بین‌الملل مطرح شد.^۷ در گزارش وی این مفهوم به شرح زیر آمده است: «توسعه‌ای که نیازهای نسل فعلی را برآورده می‌سازد بدون اینکه در توانایی نسل آتی در تأمین نیازهایش خللی وارد شود.»

1. Agenda 21, 15.4.

2. *International Summit on Sustainable Development*, Johannesburg, September 2002.

3. The United Nations Development Program (UNDP) Consultation Process with Indigenous Peoples and Biodiversity.

4. Mataatua Declaration on Cultural and Intellectual Property Rights of Indigenous People - June 1993, 823 U.N.T.S. 231, 10 I.L.M. 289 (1993), proclaimed by the General Assembly in its resolution 45/164 of 18 December 1990.

5. Declaration on the Rights of Indigenous Peoples (2007), G.A.Res.61, 1295, U.N.Doc.A/RES/47/1(2007).

6. Report of the World Commission on Environment and Development (WCED) at. 43(1987).

می‌توان ویژگی‌های اساسی توسعه پایدار را به این نحو توصیف نمود: نیازهای فعلی و استانداردهای رفاهی معقول باید برای همه انسان‌ها به دست آید؛ این هدف باید با احتیاط تعقیب گردد تا از صدمه به تنوع زیستی و ظرفیت طبیعت برای زایش دوباره جلوگیری شود؛ نسل‌های آتی باید امکان دستیابی به استانداردهای مشابه یا بهتر را برای زندگی داشته باشند. این اهداف، لاجرم، مستلزم امتزاج سیاست‌های مرتبط با محیط زیست و اقتصاد و حفاظت از محیط زیست (حفاظت از منابع، حفظ سازگاری و غیره) است.^۱

بیانیه اجلاس جهانی توسعه پایدار ۲۰۰۲^۲ در بخش پنجم، این ارتباط را با اشاره به «ستون‌های به هم مرتبط و هم‌افزای توسعه پایدار - توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی» روشن می‌سازد. اعلامیه ریو در اصل اول خود بر اهمیت توسعه پایدار در حفاظت از محیط زیست در سطح بین‌الملل و بر این مسأله تأکید نمود که انسان‌ها مرکز ثقل دغدغه‌ها برای توسعه پایدارند. همچنین روشن ساخت که حفاظت از محیط زیست باید در مرکز فرایند توسعه قرار گیرد و نباید به عنوان موضوعی جدا در نظر گرفته شود.

دستور کار ۲۱ در دیباچه خود به این امر اشاره می‌کند که تلفیق مسائل محیط زیستی و توسعه منتهی به اکوسیستم‌هایی خواهد شد که بهتر حفاظت و مدیریت شده‌اند؛ اما این هدف فقط با مشارکت جهانی برای توسعه پایدار قابل دستیابی است. فصل ۲۶ دستور کار ۲۱ به عنوان برنامه عمل توسعه پایدار جهانی در سده ۲۱ در نظر گرفته می‌شود. در این بخش از دستور کار ۲۱، به نقش بومی‌ها در توسعه پایدار پرداخته می‌شود: «بومی‌ها می‌توانند مسائل زیادی را درباره توسعه پایدار به جهان صنعتی بیاموزند و باید در سطح جهانی در این امر شرکت داده شوند. نقطه شروع این کار باید اتخاذ اقدامات مربوط به حمایت از حقوق آنها و حفظ میراث‌شان باشد.» اجلاس ژوهانسبورگ در ۲۰۰۲ اصلاحات بیشتری را در مفهوم توسعه پایدار ایجاد کرد: «ریشه‌کن کردن فقر، تغییر الگوهای مصرف و تولید و حفاظت و مدیریت منابع طبیعی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی، اهداف اصلی و نیازهای ضروری برای توسعه پایدار هستند» (بند ۱۱). این امر در برنامه اجرایی این اجلاس که نیاز برای راهبردهای ملی و منطقه‌ای برای حفاظت از اکوسیستم‌ها و دستیابی به مدیریت مشارکتی زمین، آب و منابع زنده را مطرح می‌سازد، توضیح داده شد. اهمیت حیاتی حاکمیت در هر کشوری و در سطح بین‌الملل، برای دستیابی به توسعه پایدار، بر این نکته تأکید شد که مسؤلیت اولیه برای توسعه هر کشوری بر دوش همان کشور است.

1. J.E.Blake, "The Importance and Legal Significance of the Role of Cultural Diversity in the Preservation of Biological Diversity", *Environmental Sciences* 1. 15-26, Autumn 2003.

2. Declaration from the Summit on Sustainable Development (Johannesburg, September 2002)

بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۸^۱ خود، بر نیاز به درک بیشتر رابطه میان دانش سنتی و توسعه تأکید نمود و چنین ایده‌هایی پایه‌ی مناظرات در کنفرانس بین‌الدولی در مورد سیاست‌های فرهنگی برای توسعه (استکهلم، ۱۹۹۸) را تشکیل داد که بیان می‌داشت: «توسعه پایدار و رشد و شکوفایی فرهنگی به هم وابسته‌اند و تنوع فرهنگی که گنجینه بشر است عاملی ضروری در توسعه به شمار می‌رود». در نتیجه نشست استکهلم نیاز به تلفیق سیاست‌های فرهنگی با سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی مشخص شد که حفاظت از محیط زیست بخشی از آن است. نشست استکهلم همچنین بر نقش ذاتی میراث فرهنگی به ویژه میراث ناملموس^۲ در فرایند توسعه، به عنوان منبع بنیادی برای توسعه پایدار، تأکید کرد. همچنین در پرتو اجلاس زمین در ریو^۳ و اجلاس زمین ۵+ (۱۹۹۷)^۴ از یونسکو خواسته شد که بر جایگاه حیاتی میراث فرهنگی در محیط زیست به عنوان عاملی مهم در توسعه پایدار تأکید نماید.

پایداری محیط زیستی

پایداری محیط زیستی در پی حفاظت نامحدود از سیستم‌های جهانی حمایت از حیات است (به طور اساسی در اینجا سیستم‌های حافظ حیات انسانی مدنظر است). «ظرفیت‌های منبع^۵ اکوسیستم جهانی، ورودی‌هایی چون غذا، آب، هوا، انرژی را به صورت مواد خام فراهم می‌سازند. ظرفیت‌های نزولی^۶ مشابه خروجی‌ها یا زایدات هستند. این ظرفیت‌های منبع و نزولی وسیع، اما معین و محدودند. پایداری نیازمند آن است که این ظرفیت‌ها به جای آنکه رو به اتمام بروند حفظ شوند. استفاده بیش از حد از یک ظرفیت، فراهم‌سازی خدمات حمایت از حیات را مختل می‌سازد. برای مثال تجمع کلروفلوروکربن‌ها^۷ به ظرفیت هواسپهر برای حفاظت از انسان‌ها و دیگر اشکال حیات^۸ در برابر اشعه مضر یو.وی.بی.^۹ آسیب می‌رساند.»^{۱۰} روش‌های متعدد زندگی بومی‌ها، ادامه حیات پایداریشان را در طبیعت ممکن می‌سازد.

1. World Development Report (World Bank, 1998).

2. Intangible Heritage

3. Rio Earth Summit 1992

4. Earth Summit+5 (1997)

5. Source Capacities

6. Sink Capacities

7. CFCs

8. Biota

9. UVB

10. R. Goodland and H.E. Daly, "Poverty Alleviation Is Essential for Environmental Sustainability", *Environ. Work. Pap. No. 42*. Washington D.C. World Bank. 1993.

برای بیشتر بومی‌ها زمین به معنای زندگی است، نه فقط به این دلیل که برای معاش روزانه به آن وابسته‌اند؛ بلکه به این دلیل نیز که هویت فرهنگی، اجتماعی و معنوی آنها به زمین وابسته است. بومی‌ها به واسطهٔ رهیافتی که نسبت به طبیعت و دانش اکولوژی خود دارند نقش حیاتی در حفاظت از تنوع زیستی بر کرهٔ زمین بازی می‌کنند.

براساس تحقیقی که صندوق جهانی حیات‌وحش انجام داد، همبستگی عمیقی بین مناطق دارای تنوع زیستی بالا و مناطق دارای تنوع فرهنگی بالا وجود دارد. «۸۰ درصد از ۲۰۰ منطقهٔ بوم‌شناختی جهان که از غنی‌ترین تنوع زیستی برخوردارند، تحت سکونت بومی‌ها قرار دارند. بر مبنای این تحقیق، بومی‌ها در تاریخ طولانی مدیریت محیط زیست، مجموعهٔ وسیعی از دانش بوم‌شناختی گرد آورده‌اند که در زبان آنها تبلور یافته و دانش محلی، ستونی از سیستم‌های بهداشت و طب سنتی است.»^۱ برای بومی‌ها معنویت و هویت فرهنگی نمی‌تواند جدای از محیط زیست طبیعی باشد. «آداب و سنن بومی‌ها، هنجارها و ارزش‌های آنها را انتقال داده و در آموزش جوانان مورد استفاده قرار می‌گیرند. اشیای فرهنگی که نقش مهمی را در این آداب و سنن بازی می‌کنند می‌توانند هم اشیای فیزیکی در نظر گرفته شوند و هم بخشی از مناظر و چشم‌انداز کوهستان و آبشار باشند. به همین دلیل است که خلع ید از این اشیاء می‌تواند در تخریب فرهنگ‌های بومی بسیار مهم باشد.»^۲

پیشینهٔ تاریخی توسعهٔ حقوق بومی‌ها و جوامع محلی در حقوق بین‌الملل محیط زیست
انگیزهٔ اصلی توسعهٔ استانداردهای حقوق بین‌الملل در خصوص رفتار با بومی‌ها و جوامع محلی ناشی از فرایند استعمارزدایی و جنبش حمایت از حقوق اقلیت‌هاست که برگرفته از منشور ملل متحد است.^۳ اگرچه حقوق بین‌الملل از پایان دههٔ ۱۹۵۰ به موقعیت این جوامع اشعار داشته است و فقط از اواسط دههٔ ۱۹۸۰ حقوق متمایز فرهنگی و اقتصادی بومی‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است. در واقع شمار زیادی از بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها در مورد اهمیت محیط زیستی بومی‌ها و جوامع محلی در دو دههٔ اخیر به وجود آمده است که بسیاری از مهم‌ترین مسائل در کنفرانس محیط زیست و توسعهٔ ملل متحد (۱۹۹۲) ایجاد شده‌اند، مثل اعلامیهٔ ریو^۴ و دستور کار ۲۱^۵ برای توسعهٔ پایدار. همچنین، تغییرات سیاستی، در اعمال سازمان‌های بین‌المللی خاصی

1. *Op.cit*, note 1, 18.

2. *Ibid*, 15.

3. Charter of the United Nations, 59 Stat. 1031, TS No. 993.

4. United Nations Conference on Environment and Development, Rio Declaration on Environment and Development, U N Doc. A/CONF. 151/S/Rev. 1, 1992, reprinted in 31 ILM 874 (1992).

5. UNCED, Agenda 21 (United Nations, 1993).

همچون بانک جهانی به وقوع پیوسته است که متهم به تأمین اعتبار پروژه‌هایی است که آثار سوء بر جوامع بومی داشته‌اند.^۱ بهترین نمونه معاهدات بین‌المللی که دستیابی جوامع محلی به زمین و منابع را با حفاظت از محیط زیست مرتبط می‌سازد، کنوانسیون بیابان‌زایی^۲ ۱۹۹۴ است که موازینی را برای افزایش مشارکت جوامع محلی در ساختارهای تصمیم‌گیری مورد خطاب قرار می‌دهد. مجموعه‌ای گسترده از معاهدات جهانی و منطقه‌ای در ارتباط با حفاظت از طبیعت، در دوران پس از جنگ به وجود آمده که اشاره‌ای به حقوق بومی‌ها و جوامع محلی نداشته‌اند مگر شماری معدودی از کنوانسیون‌ها که یا مربوط به گونه‌هایی خاص می‌شوند مثل کنوانسیون مربوط به حفاظت از فک‌های خردار اقیانوس آرام شمالی^۳ ۱۹۷۶ یا مرتبط با مناطق خاص‌اند مانند کنوانسیون میراث جهانی یونسکو^۴ ۱۹۷۲، تحقیقاتی نیز روی این مسأله انجام گرفت که چطور بسیاری از جوامع با موفقیت توانسته‌اند اصلاحاتی را در کشورهای خود همچون کانادا، امریکا، استرالیا و نیوزیلند تضمین کنند تا بتوانند در مدیریت محیط زیستی دخالت داشته باشند. «اعلامیه استکهلم»^۵ که در جریان نخستین کنفرانس سازمان ملل متحد درباره انسان و محیط زیست^۶ تصویب شد، بر اهمیت حفظ محیط زیست برای بشریت تأکید می‌کند. نخستین اصل، تأکیدی دوباره است بر حق بنیادین برای آزادی، برابری و شرایط زندگی مناسب در محیطی که اجازه حیات متعالی و سعادت‌مند را می‌دهد. حیات انسان وابسته به زیستگاه اوست.» برای برخی از گروه‌های آسیب‌پذیر (مانند اقلیت‌های نژادی، سالخوردگان، کودکان، بومی‌ها) این رابطه با محیط زیست برای امرار معاش و ادامه حیات بسیار ضروری است. این گروه‌ها برای غذا، مسکن و باورهای فرهنگی و مذهبی‌شان وابسته به محیط زیست خود هستند. به علاوه، برای بومی‌ها، زمین، زیستگاه و محیط زیست نشانگر حق آنها برای حیات است. توسعه، بهبود و حفاظت از محیط زیست طبیعی و انسان ساخت، باید از طرف تمام کشورها به طور انفرادی یا جمعی ارتقاء یابد. در انجام این کار، کشورها از حقوق پایه انسانی همچون حق بر حیات حمایت می‌کنند.»^۷

1. Operational Directive (OD 4.20) on "Indigenous Peoples", at Para.6.

2. Convention to Combat Desertification in those Countries Experiencing Serious Drought and/or Desertification, 17 June 1994, 33 ILM (1994).

3. Interim Convention on Conservation of North Pacific Fur Seals 1976, 27 UST 3371.

4. Convention for the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, 23 Nov. 1972, 27 UST 37; 1037 UNTS 151.

5. United Nations Conference on the Human Environment, Report of the United Nations Conference on the Human Environment, U.N. Doc. A/CONF. 48/14/Rev.1 and Corr.1 (1972), reprinted in 11 ILM 1416 (1972)

6. United Nations Conference on the Man and Environment, Stockholm-1972 UN Doc. A/CONF in 11 ILM. 1416 (1972)

7. J. P. Kastrup-tex.Int'l/LJ, 1997-Heinonline.

ده سال پس از کنفرانس استکهلم «منشور جهانی طبیعت»^۱ در سال ۱۹۸۲ از سوی اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی^۲ به تصویب رسید. در مقدمه این منشور به ارتباط متقابل انسان، طبیعت و اکوسیستم اشاره شد و این مسأله مورد توجه قرار گرفت که انسان‌ها باید توانایی خود برای استفاده از منابع طبیعی را حفظ و گسترش دهند، به طوری که حفظ گونه‌ها و اکوسیستم به نفع نسل‌های فعلی و آتی تضمین شود. این منشور راهی برای تلفیق مسائل حفاظت و توسعه است و در آن پاره‌ای از اصول حفاظتی ارائه می‌گردند که راهنمای همه رفتارهای بشری تأثیرگذار بر طبیعت هستند و این رفتارها را می‌توان براساس آن اصول مورد قضاوت قرار داد. این منشور به عنوان یک سند بوم‌شناختی شناسایی می‌شود و هدفش حفاظت از طبیعت برای خود طبیعت است و انسان محور نیست. این منشور الزام‌آور نیست و بیانی نمادین و مهم از قصد ملتها برای دستیابی به رابطه‌ای هماهنگ و پایدار بین بشریت و مابقی زیست کره است - بین بشریت و زمین - بسیاری از مواد این منشور به عنوان استانداردی اخلاقی در معاهدات مختلف استفاده می‌شوند.^۳

این منشور شامل قوانین حاکم بر استفاده از منابع طبیعی است که به قبل از زمانی برمی‌گردد که به مفهوم توسعه پایدار در گزارش برون‌تلد^۴ صحنه گذاشته شد. همچنین در منشور جهانی طبیعت، بر جایگاه بازیگران غیردولتی (شامل بومی‌ها) و حقوق و تکالیف آنها در خصوص مشارکت در تصمیم‌سازی، دستیابی به راه‌های جبران خسارت در صورت بروز آسیب محیط زیستی و مسؤولیت عملکرد براساس مواد این منشور، تأکید می‌گردد. بعدها «کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار در مورد جوامع بومی و قبیله‌ای در کشورهای مستقل» (۱۹۸۹)^۵ در ماده یک خود تعریفی از جوامع قبیله‌ای و مردمی ارائه نمود که بومی نامیده شد: «جوامع بومی و قبیله‌ای به مردمی اشاره دارد که شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، آنها را از سایر بخش‌های جامعه متمایز کرده و وضعیت‌شان بخشی یا به طور کلی، به واسطه رسوم یا سنت‌های خود یا قوانین و مقررات ویژه تنظیم می‌شود. این گونه افراد بومی نامیده می‌شوند چراکه از تبار آنها هستند که در کشورشان یا منطقه جغرافیایی‌ای که کشورشان در آن قرار دارد در زمان فتح یا استعمار یا ایجاد مرزهای فعلی کشورشان سکونت داشته‌اند و صرفنظر از موقعیت حقوقی‌شان، تمام یا بخشی از نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را حفظ کرده‌اند.»

1. World Charter for Nature 1982, UNGA Res.37/7, 28 October 1982; 23ILM 455 (1983)

2. IUCN

3. L.K. Caldwell, International Environmental Policy, Duke University Press, 1992.

4. Brundtland Report

5. The International Labor Organization Convention Concerning Indigenous and Tribal Peoples in Independent Countries 1989, Op.cit, note 20.

ماده ۲ این کنوانسیون به الزاماتی می‌پردازد که دولت‌ها باید انجام دهند از جمله اینکه دولت‌ها باید به همراه بومی‌ها و با هدف حمایت و حفاظت از حقوق بومی‌ها در انجام عملیات نظام‌مند و هماهنگ فعالیت داشته باشند. در ماده (۲-۲) آمده است که تحت این کنوانسیون با سرخپوستان باید رفتاری برابر شود و تمامیت فرهنگی و مذهبی آنها باید حفظ شود؛ در ماده ۱-۳ گفته شده جوامع بومی و قبیله‌ای باید از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بدون هر گونه مانع و تبعیضی بهره‌مند باشند؛ موازینی مناسب باید برای حراست از افراد، نهادها، دارایی، فرهنگ کار و محیط زیست مردم مزبور گرفته شود؛ در ماده ۱-۴ بیان شد؛ اما چه کسی تعیین می‌کند که این موازین مناسب‌اند یا خیر؟ چه استانداردهایی در این تعیین استفاده می‌شوند؟

این کنوانسیون همچنین تصریح می‌کند که موازینی باید اتخاذ گردند که به خواسته‌های آزادانه بیان شده بومی‌ها توجه دارند (ماده ۲-۴) و بومی‌ها بایستی در فرایندهای تصمیم‌گیری برای هر طرح و برنامه‌ای که بر آنها تأثیرگذار خواهد بود، مشارکت کنند و در موضوع‌های مرتبط با علاقه و حقوق آنها، باید با آنها مشورت شود (ماده ۵).

در این کنوانسیون همچنین پیشنهاد می‌شود که قبایل باید براساس نظام حقوقی بومی مورد قضاوت قرار گیرند و باید به ارزش‌های بومی آنها توجه شود (ماده ۸). همچنین در خصوص تنبیه و مجازات، وضعیت اقتصادی و فرهنگ بومی فرد متخلف نیز باید مورد توجه قرار گیرد (ماده ۱-۱۰). به عبارت دیگر، اعضای قبایل که متهم به انجام خلاف‌اند، می‌توانند از این امتیاز برخوردار شوند که براساس ارزش‌های قبیله‌ای که به طور طبیعی با آیین دادرسی در حقوق ملی متفاوت‌اند، در مورد آنها قضاوت شود.

بر طبق این کنوانسیون، بومی‌ها باید از حق مالکیت و تملک زمین‌هایی که به طور سنتی در اشغال آنها بوده بهره‌مند گردند. ماده ۱۵ این کنوانسیون به ویژه مرتبط است با مسائل محیط زیستی، چراکه بیان می‌دارد حقوق بومی‌ها برای اکتشاف منابع طبیعی باید حفظ شود. بنابراین بومی‌ها باید حق مشارکت در استفاده، مدیریت و حفاظت از این منابع را دارا باشند (ماده ۱-۱۵). براساس این کنوانسیون به بومی‌ها، به دلیل نقش مثبتی که در مدیریت اکوسیستم‌ها دارند، اعتبار داده می‌شود، زیرا وظیفه حفظ محیط زیستی که در آن زندگی می‌کنند به آنها داده می‌شود.

کنوانسیون جوامع بومی و قبیله‌ای همچنین بیان می‌دارد در جایی که بومی‌ها زمین کافی برای بقای جوامع‌شان دریافت نکرده‌اند، اصلاحاتی در مورد مسأله زمین باید انجام شود (ماده ۱۹). به علاوه، این کنوانسیون از بومی‌ها در برابر برده‌داری و استثمار نیروی کارشان حمایت می‌کند (ماده ۲۰). ماده ۱-۲۳ وظیفه دولت را در ارتباط با ارتقای اقتصاد معیشتی

سرخپوستان و توسعه پایدار متذکر می‌شود. قباایل باید شکل توسعه مناسب خود را تعیین کنند و حق دستیابی به خدمات بهداشتی کافی را داشته باشند (ماده ۱-۲۵) و برنامه‌ها و خدمات آموزشی برای این مردم باید با همکاری خود آنها تهیه و اجرا شود تا پاسخگوی نیازهای خاص آنها باشد و تاریخ، دانش، فناوری، سیستم‌های ارزشی و امیال اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها باید در این امور دخیل باشند (ماده ۱-۲۷). بومی‌ها همچنین ممکن است برای موفقیت در محیط زیست تهدید شده خود، نیاز به کمک‌های فنی داشته باشند و در نهایت ماده ۳۲ بیان می‌کند که دولت‌ها باید به واسطه توافقنامه‌های بین‌المللی، برای تسهیل ارتباط و همکاری برون مرزی جوامع بومی و قبیله‌ای در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، معنوی و محیط زیستی، موازینی اتخاذ نمایند.

«اعلامیه ریو برای محیط زیست و توسعه ۱۹۹۲» نمایانگر یکی از مهم‌ترین مراحل در تاریخ حقوق بین‌الملل محیط زیست است. این اعلامیه باعث افزایش مداوم میزان فشار بین‌المللی بر دولت‌هاست تا محیط زیست جهانی را در تصمیم‌گیری‌های داخلی خود جدی بگیرند. این اعلامیه ظرفیت بومی‌ها را برای دستیابی به توسعه پایدار، مورد شناسایی قرار می‌دهد و اعلام می‌دارد که بومی‌ها و جوامع‌شان و دیگر جوامع محلی، به واسطه دانش و اعمال سنتی‌شان) در مدیریت زیست‌محیطی و توسعه نقشی حیاتی دارند. دولت‌ها باید هویت، فرهنگ و علایق آنها را شناسایی نموده و مورد حمایت درست قرار دهند و موجبات مشارکت مؤثر آنها را در دستیابی به توسعه پایدار فراهم سازند (اصل ۲۲). حفظ قباایل سرخپوستی در مکان‌های آبا و اجدادی در اعلامیه ریو مورد حمایت قرار گرفت. اصل ۲۳ بیان می‌کند که محیط زیست و منابع طبیعی مردم تحت ظلم، سلطه و اشغال باید حمایت و حفاظت شود (اصل ۲۳) و به این نحو ارتباط متقابل توسعه و حفاظت از محیط زیست را مورد تأیید دوباره قرار می‌دهد (اصل ۲۵).

مجمع عمومی سازمان ملل برای حمایت از حقوق بشر جوامع بومی و پایان دادن به ۲۵ سال مذاکرات ستیزه‌جویانه بر سر حقوق بومی‌ها برای حفاظت از زمین‌ها و منابع‌شان و حفظ فرهنگ‌ها و سنن منحصر به فردشان «اعلامیه سازمان ملل در مورد حقوق بومی‌ها»^۲ را در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۷ تصویب نمود. این اعلامیه اهمیت موازین و رهیافت‌های مذکور در کنوانسیون ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار را مورد تأیید دوباره قرار داده و انگیزه‌ای تازه را برای گسترش تصویب و اجرای این کنوانسیون که صرفاً به تصویب ۲۰ دولت رسیده بود، ایجاد می‌نماید. این اعلامیه

1. Rio Declaration on Environment and Development, *Op.cit*, note 3.

2. Declaration on the Rights of Indigenous Peoples (2007), *Op.cit*, note 43.

که در سطح جهانی سمبل پیروزی و امید است یک سند غیرالزام‌آور است و در مسائلی همچون حق بر تعیین سرنوشت، حق بر زمین و منابع و خودمختاری سیاسی و محیط زیست فراتر از کنوانسیون ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار پیش می‌رود و به این ترتیب قدرت دولت‌ها را هر چه بیشتر به چالش می‌کشد (به همین دلیل مذاکرات بر سر این اعلامیه سال‌ها به طول انجامید) که هر گونه تبعیض علیه بومی‌ها را ممنوع می‌داند، مشارکت فعال و مؤثر آنها را در تمام مسائل مرتبط با آنها تشویق می‌کند و همراستا با منشور سازمان ملل، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ و نیز اعلامیه و برنامه عمل وین^۳، اهمیت حق بر تعیین سرنوشت همه مردم را تأیید می‌کند چراکه به واسطه آن همه می‌توانند آزادانه موقعیت سیاسی خود را تعیین و هدف خود را برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعقیب نمایند. در مقدمه این اعلامیه اشاره می‌کند که «احترام به دانش، فرهنگ‌ها و اعمال سنتی بومی‌ها به توسعه پایدار و منصفانه محیط زیست و مدیریت مناسب آن کمک می‌کند.» همچنین در ماده ۲۵ بیان می‌دارد که «بومی‌ها حق دارند رابطه ویژه معنوی خود را با زمین‌ها، سرزمین‌ها، آب‌ها، دریاها، ساحلی و دیگر منابعی که به طور سنتی در اشغال آنها بوده، حفظ و تقویت نمایند و نسبت به نسل‌های آتی در این زمینه مسؤولیت‌پذیر باشند.» این اعلامیه در ماده ۲۹ خود عنوان می‌کند که «بومی‌ها حق دارند محیط زیست و ظرفیت تولیدی زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابع‌شان را حفاظت و حمایت نمایند و دولت‌ها باید برنامه‌های یاری‌رسانی را برای بومی‌ها و در جهت چنین حفاظت و حمایتی ایجاد و به اجرا گذارند» و در ماده ۳۰ ادامه می‌دهد که «دولت‌ها باید سازوکارهای مؤثری را برای جبران عادلانه و منصفانه فعالیت‌های پروژه‌ای تأثیرگذار بر زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابع بومی‌ها، ایجاد نموده و موازینی مناسب برای کاهش تأثیرات محیط زیستی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی چنین فعالیت‌هایی اتخاذ نمایند.»

«کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو برای حراست از میراث فرهنگی ناملموس»^۴ نیز ابتدا در مقدمه خود مستقیم به بومی‌ها اشاره می‌کند: «جوامع، به ویژه جوامع بومی، گروه‌ها و در بعضی

1. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, reprinted in 993 UNTS 3,6 ILM 360 (1967)

2. International Covenant on Civil and Political Rights, Dec. 16, 1966, G.A. Res. 2200(XXI)1

3. United Nations, World Conference on Human Rights, Vienna Declaration and Programme of Action, U.N.Doc A/CONF. 157/24 (part 1) (1993), reprinted in 32 ILM 1661 (1993)

4. Convention for Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage (2003), available online at: <http://www.unesdoc.org/images/0013/001325/13254oe.pdf>

موارد افراد، نقش مهمی در تولید، حراست، حفظ و خلق دوباره میراث فرهنگی ناملموس ایفا نموده و بنابراین به غنای تنوع فرهنگی و خلاقیت انسانی کمک می‌کنند.» سپس در بسیاری از مواد خود حقوق بومی‌ها و جوامع محلی را به طور غیرمستقیم پوشش می‌دهد، حقوقی همچون مشارکت در حراست از میراث فرهنگی ناملموس، برخورداری از حداقل استانداردها برای بقاء، شأن و مقام، رفاه و سعادت. در این اعلامیه، این حق بومی‌هاست که در معرض نسل‌کشی یا نژادکشی قرار نگیرند (ماده ۲-۷). حقوق بیان شده در این اعلامیه تضمینی است برای حقوق بومی‌ها در انجام و آموزش سنت‌های معنوی و مذهبی خود، حق حفاظت از نمودهای فرهنگی، مکان‌های تاریخی و آثار هنری (مواد ۱۱، ۱۲)، حق اعاده مالکیت فکری (ماده ۳۱) که بدون رضایت قبلی و آزاد آنها گرفته شده و حق حفاظت از اماکن مقدس و گورستان‌های آنها (مواد ۱۱، ۱۲). حقوق دیگر برای بومی‌ها همچنین شامل حق آنها بر حفظ و استفاده از زبان‌های قبیله‌ای، انتقال تاریخ و سنت‌های شفاهی آنها (ماده ۱۳)، آموزش به زبان خود آنها و کنترل سیستم‌های آموزشی خود می‌گردد (ماده ۱۴). به آنها حق داده شده تا سیستم‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را حفظ کنند و اولویت‌ها و راهبردهایی را برای اعمال حق‌شان برای توسعه تعیین نمایند (مواد ۵، ۲۰)؛ معاهدات آنها با دیگر کشورها باید مورد شناسایی قرار گرفته و ضمانت اجرا داشته باشد (ماده ۳۶).

این اعلامیه از حق بومی‌ها برای تملک، گسترش، کنترل و استفاده از زمین‌ها و قلمروی که به طور سنتی در تملک و تحت اشغال آنها بوده (مواد ۲۵-۲۷) و نیز حق آنها بر اعاده زمین‌های توقیف شده، اشغال شده و گرفته شده از آنها بدون کسب رضایت قبلی و آزاد آنها و جبران عادلانه و منصفانه این حقوق زایل شده (مواد ۱۱، ۲۸) تأکید و تصریح می‌دارد که دکتین‌ها، سیاست‌ها و اعمالی که بر پایه یا حامی برتری گروهی بر گروه دیگر به واسطه ملیت، نژاد و تفاوت‌های مذهبی، قومی و فرهنگی هستند، در این مقدمه تأکید شده که نژادپرستی، به لحاظ علمی نادرست، فاقد اعتبار حقوقی، از نظر اخلاقی محکوم و از نظر اجتماعی غیرمنصفانه است.

شورای حقوق بشر این اعلامیه را در ژوئن ۲۰۰۶ بر سر اعتراض‌های کشورهای عضو دارای جمعیت وسیعی از بومی‌ها پذیرفت و با پذیرش آن قدمی فراتر به سوی گسترش و حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای همه برداشت. این اعلامیه تأکیدی است بر این امر که همه مردم به تنوع و غنای تمدن‌ها و فرهنگ‌ها که میراث مشترک بشریت‌اند، کمک می‌کنند. با اشاره به نمونه‌ای از اسناد در این قسمت، شاهد ویژگی تکاملی و ماهیت پویای حقوق بین‌الملل در ارتباط با بومی‌ها و جوامع محلی بودیم.

برخی از اصول حقوقی - محیط زیستی مرتبط با موضوع: در اینجا لازم است توجه کنیم

که اسناد حقوق بین‌الملل محیط زیست در پیروی از کدام اصول حقوقی - محیط زیستی عملاً به این مهم پرداخته‌اند: اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی^۱ یک اصل بنیادی در حقوق بین‌الملل است که منشأ آن به اروپای قرن شانزدهم برمی‌گردد، جایی که دولت‌های حاکم از نظر حقوقی برابر و در قابلیت‌هایشان متفاوت‌اند، از جایگاهی یکسان در جامعه بین‌الملل برخوردارند و هیچ دولتی حق دخالت در امور دیگران را ندارد.^۲ بر این اساس دولت‌ها حق حاکمیت دائمی بر سرزمین‌شان را دارند که شامل منابع طبیعی موجود در آنها می‌شود. دولت‌ها براساس منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل دارای حق حاکمیت بر استفاده از منابع خود برابر با سیاست‌های محیط زیستی خودند و موظف‌اند یقین حاصل نمایند که فعالیت‌های انجام شده در قلمرو یا در مناطقی که در کنترل آنهاست موجب صدمه به محیط زیست سایر کشورها یا مناطقی نمی‌شود که خارج از قلمرو ملی آنهاست. این حق مطلق نیست چراکه کنوانسیون تنوع زیستی حفاظت از تنوع زیستی را «نگرانی مشترک بشریت» و دولت‌ها را مسؤول حفاظت از تنوع زیستی و استفاده پایدار از منابع زیستی می‌داند. همین مسأله، نمایندگان کشورهای توسعه یافته را در برابر کشورهای در حال توسعه و سرشار از تنوع زیستی قرار داد. با در نظر گرفتن حاکمیت دائمی به عنوان حاکمیت مردم، بعد تازه‌ای به آن داده می‌شود. اگر این مردم بخشی از جمعیت یک کشور باشند، مفهوم حاکمیت دائمی، قدرت دولت ملی را در دسترسی آزادانه به منابع طبیعی کشور بدون رضایت یا بر خلاف میل و علائق مردم، محدود می‌سازد و اگر منظور از مردم، کل جمعیت یک کشور باشد، معاملاتاتی که در خصوص دسترسی به منابع طبیعی، توسط دولت یا از طرف دولت انجام می‌شوند، اگر به نفع مردم نباشند، باطل خواهند بود. از این‌رو اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی ضامنی برای مردم در برابر دولت‌های آنهاست و صلاحیت دولت‌ها را محدود می‌سازد.^۳

پیشگیری و احتیاط

به روش‌های مختلف می‌توان به مسأله حمایت و حفاظت از محیط زیست پرداخت، یعنی با استفاده از «مدل‌های درمانی، پیشگیری و پیش‌بینی. به طور کلی می‌توان گفت مدل درمانی بر این پایه مفهومی استوار است که منابع طبیعی پایان‌پذیرند و باید به طبیعت کمک کرد تا خود را درمان کند. هزینه چنین کمکی توسط آلوده‌کننده پرداخت خواهد شد.

1. Permanent Sovereignty over Natural Resources

2. C. Brown, Sovereignty, Rights and Justice: International, Political Theory Today, Polity, Cambridge, 2002.

3. Ibid, 438.

یک چنین سیاستی تنها زمانی میسر است که همراه با سیاست پیشگیری به اجرا درآید تا خسارت جبران‌ناپذیر را کاهش دهد. در چنین مدلی خطرهایی که با آنها مواجه هستیم قابل پیش‌بینی هستند. مدل پیشگیری بر پایه الگوی محدود کردن آسیب استوار است ضمن اینکه جایی برای درجه‌ای از مداخله ناخواسته وجود دارد. این مدل نیازمند حسن تدبیر در پرداختن به مسأله استفاده از منابع طبیعی است و هدفش عمدتاً کاهش صدمه است که ممکن است صرفاً تصادفی پیش بیاید. مدل پیشگیری براساس ظرفیت همانندسازی محیط است که نمی‌توان از آن تجاوز کرد و گرنه متحمل خسارت خواهیم شد. این مدل کاملاً بر پایه اطلاعات علمی موجود بنا نهاده شده است. در برخی از موارد در صورت ورود آسیب به محیط زیست، جبران آن غیرممکن است: انقراض گونه‌های جانوری یا گیاهی، فرسایش و تخلیه آلاینده‌های پایدار در دریاها، وضعیت‌های مهارنشده و غیرقابل بازگشتی را به وجود می‌آورند. حتی زمانی که آسیب قابل جبران باشد، هزینه‌های احیای محیط زیست بسیار بالاست. در بسیاری از موارد، پیشگیری از تمام خطرهای آسیب، ناممکن است. در چنین مواردی، براساس اصل پیشگیری و به منظور حفاظت از محیط زیست و حقوق دیگران، ممکن است ضمن اجازه انجام فعالیت‌های خطرناک، تصمیم به اتخاذ تدابیری گرفته شود تا خطر به حداقل ممکن عملی، کاهش یابد.^۱ پیشگیری به دلیل شمار و تنوع اسناد حقوقی که در آنها پیش‌بینی می‌شود، موضوع پیچیده‌ای است. مدل پیش‌بینی محیط زیست، محوری‌ترین مدل حمایت و حفاظت از محیط زیست است که گمان می‌رود به دلیل ناامیدی از قابلیت پیش‌بینی علمی به وجود آمده باشد و این در حالی است که در حوزه حمایت و حفاظت از محیط زیست تنها اطمینان، عدم اطمینان است. اصل احتیاط به درستی در مدل سوم یا همان مدل پیش‌بینی جای می‌گیرد.^۲ «اصل احتیاط به سیاستگذاران اجازه می‌دهد تا در شرایطی که با اتخاذ یک روش یا تصمیم در غیاب اطلاعات علمی گسترده، امکان ورود ضرر وجود دارد، تصمیمات احتیاطی بگیرند. این تصمیم اشاره به آن دارد که وقتی بررسی علمی، یک خطر اجتماعی را نشان می‌دهد، این یک مسؤلیت اجتماعی است که مردم را در معرض آسیب قرار ندهیم. اگر یافته‌های علمی بیشتر، شواهدی را ارائه دهند که صدمه‌ای در پی نخواهد بود، این حمایت‌ها کاهش پیدا خواهد کرد.»^۳

بذر اصل «حفاظت پایدار»^۴ در محو شدن مرز میان مناطق طبیعی و فرهنگی قرار دارد.

1. S. V. Aargau, Switzerland Bundesgericht, (Federal Tribunal), 1 Nov. 2000.

2. M. Fitzmaurice, Contemporary Issues in International Environmental Law, Edward Elgar Publishing Inc. 2009.

3. http://en.wikipedia.org/wiki/Precautionary_principle.

4. Sustainable Conservation

در آینده بیشتر تنوع زیستی در مناطق مدیریت شده قرار خواهد داشت یعنی زمینی که روی آن استفاده مسؤولانه بایستی رواج پیدا کند.^۱ احترام به دانش و جوامع محلی می‌تواند پایه حفاظت و استفاده پایدار قرار گیرد و ما را به این شناخت برساند که به طور انکارناپذیری بخشی از اکوسیستم‌های طبیعی هستیم.

«امتزاج تنوع زیستی با اقتصاد انسانی، حفاظت از آن را سهولت می‌بخشد. جدا کردن انسان‌ها از طبیعت، خیالی است که به واسطه آن جامعه صنعتی محیط زیست را از ما دور و تحت دستکاری ما می‌بیند. توجه به این مسأله که طبیعت نه نگهبان ماست و نه ارباب ما، پیش شرطی برای باطل کردن این خیال است. انسان‌ها باید زمین را به نفع خودشان دستکاری کنند؛ البته با توجه به محدودیت‌هایی که برای این کار وجود دارد، ما باید مفهوم جامعه را گسترش دهیم تا خاک، آب، گیاهان و جانوران یا در مجموع زمین را نیز در برگیرد.»^۲

با توجه به این اصل راهبردهای مدیریتی که با طبیعت و در درون طبیعت کار می‌کنند و نه پیرامون آن، زیستگاه انسان و دیگر گونه‌ها را تضمین می‌کنند. متخصصان حفاظت و جوامع محلی، می‌توانند از یکدیگر منفعت کسب کنند: «متخصصان حفاظت به دانش مربوط به موجودات زنده محلی و استفاده از منابع دست پیدا می‌کنند و جوامع محلی برای دانش و اعمال سنتی خود اعتبار کسب می‌نمایند. در بسیاری از نقاط جهان، روستاییان مدیران تنوع زیستی و علاقه‌مند به حفظ آن‌اند. قدرت بخشیدن به این مدیران به عنوان شریکان حفاظتی در جهان در حال توسعه، گامی فراتر به سوی جهانی‌سازی مسأله پایداری حفاظت است.»^۳ در مفهوم «اصل مشارکت»^۴ تعاریف مختلفی ارائه شده که ریشه اصلی آنها به مشارکت عمومی و اجتماعی برمی‌گردد و آنها را اغلب سازمان‌های غیردولتی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مطرح کرده‌اند. «در اغلب موافقتنامه‌های بین‌المللی محیط زیست همچون کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲)، دستور کار ۲۱ و اعلامیه ریو، بخشی دربردارنده الزاماتی برای دولت‌های عضو جهت کسب اطلاعات از مردم یا تضمین مشارکت عمومی برای اتخاذ تصمیمات پیرامون محیط زیست است. حق مشارکت دارای دو جزء ترکیبی است: حق داشتن آگاهی و حق اثرگذاری بر تصمیمات. اصل ۲۳ منشور جهانی طبیعت ۱۹۸۲ با صراحت بیشتری مقرر می‌دارد: «همه افراد فرصت مشارکت به‌طور انفرادی یا همراه با

1. Amy E. O'Neal, et. al., "Human Economics, the Land Ethic, and Sustainable Conservation", Biology, Vol.9, No. 1, 217, 1995.

2. A. Leopold, A Sand Almanac, Oxford University Press, New York, 1966.

3. Ibid, 219.

4. Participation

دیگران را در تنظیم تصمیماتی مرتبط با محیط زیست خواهند داشت و همچنین زمانی که محیط زیست‌شان زیان ببیند و دچار خسارت شود، به وسایل جبران خسارت دسترسی خواهند داشت.»

در پایان باید گفت تمسک حقوق بین‌الملل به هنجارها در ارتباط با بومی‌ها و جوامع محلی یک مسأله است و اثربخشی این هنجارها در زندگی واقعی بومی‌ها و جوامع محلی مسأله‌ای کاملاً متفاوت است. فقط اجرای مؤثر این اصول است که می‌تواند بقا و شکوفایی بومی‌ها و جوامع محلی را تضمین نماید.

حیات‌وحش، بومی‌ها و جوامع محلی، حفاظت و پایداری

منابع حیات‌وحش فواید بسیاری برای مردم دارد و نزد آنها از ارزش بالایی برخوردار است. «منظور از ارزش، میزان ارزشی است که شخص به چیزی در مقایسه با چیزهای دیگر نسبت می‌دهد. ارزش‌های حیات‌وحش شامل ارزش‌های تجاری، تفریحی، زیستی، اجتماعی، زیبایی‌شناختی و علمی‌اند.»^۱ البته زیست‌شناسان حیات‌وحش، مفاهیم ارزش وجودی حیات‌وحش و ارزش‌های اختیاری را نیز به این فهرست افزوده‌اند و بعدها فهرست این ارزش‌ها با افزایش ارزش‌های ناشناخته حیات‌وحش همچون ارزش‌های تاریخی، همدلی و ارزش حیات‌وحش در ارزیابی شخصیت جامع‌تر شده است.

انسان مدت مدیدی است که حیات‌وحش را مورد تهدید قرار داده است. انسان‌های نخستین احتمالاً با شکار موجب انقراض می‌شده‌اند. «بشر پس از آگاهی از آتش شروع به تغییر زیستگاه‌ها در مناطق بسیار وسیع نمود. همراه با توسعه کشاورزی و ظهور شهرنشینی، جنگل‌زدایی سرعت گرفت و تغییر زیستگاه‌ها اهمیت پیدا کرد.»^۲ تخریب زیستگاه‌های طبیعی به دست انسان، بیشترین تهدید برای حیات‌وحش به شمار می‌آید، زیرا گونه‌ها و ذخایر ژنتیکی آنها به شرایط مناسب حیاتی نیاز دارند.

حفاظت مؤثر از گونه‌ها مستلزم حفاظت و حمایت از گونه‌ها به طور کلی و در عین حال حفاظت و حمایت از گونه‌های تحت خطر است که خود نیازمند رهیافت حقوقی قابل انعطاف است که به واسطه آن، گونه تحت خطر در دل کنوانسیون‌ها جای می‌گیرد.

«در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان حقوق بین‌الملل حفاظت از تنوع زیستی را به سه مقوله

زیر تقسیم نمود:

1. R.T. King, "The Future of Wildlife in Forest Land Use", Transactions of the North American Wildlife and Natural Resources Conferences 12:454-467, 1947.

۲. دانیل بوتکین و ادوارد کله، شناخت محیط زیست: زمین سیاره زنده، برگردان: عبدالحسین وهاب‌زاده (مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۲)، ۲۳۸.

۱. معاهدات بالقوه کاربردی برای تمام گونه‌ها و زیستگاه‌های سیاره زمین، اینها شامل کنوانسیون سائیتیس (۱۹۷۳) و کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) می‌شوند؛
۲. الزامات کاربردی برای تمام گونه‌ها و زیستگاه‌های یک منطقه خاص؛
۳. معاهدات و دیگر توافقنامه‌های بین‌المللی کاربردی در سطوح منطقه‌ای یا جهانی با هدف حفاظت از یک زیستگاه یا گونه خاص.

موضوع‌ها و رهیافت‌های کلیدی در کنوانسیون‌های بین‌المللی حیات‌وحش عبارت‌اند از: پایداری استفاده، به ویژه در خصوص گونه‌های تهدید شده، قابلیت انعطاف سیستم‌های تنظیمی برای فهرست‌بندی گونه‌های تهدید شده، پس از لازم‌الاجرا شدن توافقنامه‌ها و در نهایت حفظ زیستگاه‌ها و اکوسیستم‌ها و گونه‌های خاص.

قواعد بین‌المللی حفاظت از این گونه‌ها شامل راهکارها و سازوکارهای زیرند: ایجاد مناطق حفاظت شده برای حفاظت، ممنوعیت‌ها یا قواعد مرتبط با شکار گونه‌های خاص (برای مثال تعیین فصل‌ها یا دیگر دوره‌های زمانی برای شکار مجاز)، ایجاد سهمیه شکار گونه‌ها، ممنوعیت روش‌های خاص یا ابزار شکار (مثل ماهیگیری با تور شناور)، منوط ساختن شکار یا بهره‌برداری به هماهنگی با استانداردهای کلی که استفاده را محدود به استفاده پایدار می‌دانند، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های مرتبط با تجارت بین‌المللی گونه‌ها، حفاظت و مدیریت زیستگاه‌ها، حفاظت و مدیریت اکوسیستم‌ها، ممنوعیت معرفی گونه‌های جدید یا بیگانه، ایجاد مناطق حفاظت شده به همراه حفاظت در خارج از مکان طبیعی در باغ وحش‌ها، باغ‌های گیاه‌شناسی، بانک‌های ژنی و آکواریوم‌های علمی که از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین سازوکارها قلمداد می‌شود.

فهرست‌بندی نیز رهیافتی بنیادی نسبت به حفاظت است چراکه نمی‌توان از چیزی حفاظت کرد مگر اینکه بدانیم دقیقاً چیست و در کجا واقع است؟ فهرست سرخ اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی، شامل فهرست جامعی از موقعیت‌های حفاظتی گیاهان و جانوران در سطح جهان است و به عنوان معیاری برای ارزشیابی نوع خطر انقراض هزاران گونه و زیرگونه محسوب می‌شود.

با وجود این پیشرفت‌ها، باز هم قوانین حقوق بین‌الملل نیاز به توسعه و اصلاح قابل توجهی دارد، پیش از آنکه این رهیافت‌ها بتوانند به خوبی در دل آنها جای گیرند.^۱ «در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بعضی از پژوهشگران در جریان کار در آفریقا متوجه لزوم شمول فعالیت‌های انسانی در بحث حفاظت از حیات‌وحش شدند. از دهه ۱۹۸۰ به بعد، نقش

1. Ph. Sands, Principles of International Environmental Law, Cambridge University Press, 2003; J. Blake, International Wildlife Protection Law, Shahid Beheshti University, forthcoming 2012.

جوامع در حفاظت از تنوع زیستی در سطح جهانی، مورد توجه جدی قرار گرفت. در حقیقت حرکتی به سوی رهیافت‌های پایین به بالا و تمرکززدایی در جریان بوده است.^۱ در این راستا چهار رهیافت به عنوان الگوهای جدید حفاظت از حیات وحش مطرح شدند: پروژه‌های تلفیقی حفاظت و توسعه،^۲ حفاظت جامعه محور،^۳ حفاظت از جامعه^۴ و مدیریت منابع طبیعی جامعه محور^۵ که در آن ویژگی‌هایی همچون استفاده پایدار از الگوی حفاظت، سودمندی اقتصادی و مالکیت اشتراکی دیده می‌شود. این رهیافت در مقایسه با سه رهیافت دیگر تأکید بیشتری بر اقتصاد بازار دارد.^۶ «در سودمندی اقتصادی این گونه توضیح داده می‌شود که در جایی که حیات وحش قابلیت رقابت اقتصادی نداشته باشد، جایگزینی آن با دیگر اشکال استفاده از زمین را باید پذیرفت. این رهیافت همان تأکید پروژه‌های تلفیقی حفاظت و توسعه و حفاظت جامعه محور را بر منفعت محلی دارد با این تفاوت که در این رهیافت منفعت بر حسب اقتصاد بازار اندازه‌گیری می‌شود.»^۷

ویژگی مشترک بین این جوامع شامل اتکا به تولید معیشتی است (بر پایه راهکارهای شبنانی، باغبانی، شکار و جمع‌آوری غذا). این جوامع اغلب در مناطق غیرشهری سکنا داشته و ممکن است در یک منطقه و ناحیه خاص مستقر باشند یا روش زندگی عشایری و کوچ‌نشینی را در قلمرو وسیع‌تری در پی گیرند. بومی‌ها و جوامع محلی در هر اقلیمی و در هر قاره‌ای از جهان می‌توانند یافت شوند.

«بومی‌ها تنوعی از سیستم‌ها را برای کنترل جوامع‌شان ایجاد کرده‌اند. سیستم‌های اقتصادی سنتی و محلی آنها تضمین‌کننده استفاده پایدار از منابع، مسؤولیت اجتماعی و روابط هماهنگ و توأم با همکاری است. هر نوع سیستم اقتصادی بومی‌ها بخشی از تمامیت اقتصادی و اجتماعی حاکم بر زندگی آنهاست.»^۸ «تعامل و مسؤولیت اجتماعی به صورت هنجارهای رفتاری بومی‌ها در دل سیستم‌های اجتماعی آنها جای دارد. تعامل و مسؤولیت اجتماعی به عنوان دو اصل از اصول اساسی سیستم‌های اقتصادی، برخاسته از حس اشتراک و خویشاوندی قوی در بین جوامع بومی است.

1. D. Western, "Conservation Science in Africa and the Role of International Collaboration", *Conservation Biology* 17(1):11-19, 2003.

2. Integrated Conservation and Development Projects

3. Community-based Conservation

4. Community Conservation

5. Community-based Natural Resource Management

6. Ibid, 132.

7. Ibid, 65.

8. J. Lasimbang, "Indigenous Peoples and Local Economic Development", @Local.glob, Issue No. 5, 2008.

این جوامع در پی برآورده ساختن نیازهای تمامی اعضایشان به واسطهٔ تسهیم غذا، کار و ابزارند. روابط جنسیتی و نیز تقسیم کار در بعضی جوامع به خوبی تعریف شده و در کل، کار کشاورزی به صورت جمعی انجام می‌شود.^۱ «تضمین پایداری منابع، بخشی از معنویات و سیستم مدیریتی منابع بومی‌هاست. تولید در مقیاس کوچک، ماهیگیری معتدل یا برداشت معتدل از منابع محلی با استفاده از ابزارهای غیرمخرب از ویژگی‌های معیشتی آنهاست.^۲» تولید برای امرار معاش از ویژگی‌های اصلی اقتصاد بومی‌هاست. کشاورزی، ماهیگیری و گلهداری تکیه‌گاه اصلی اقتصاد بومی‌هاست. صنعتگران بومی مدت‌های مدیدی است که در خدمت جوامع بومی بوده‌اند. عدم شناسایی این حرفه‌های سنتی از سوی دولت‌ها منجر به تبعیض علیه آنها شده و در حاشیه قرار داده شدن آنها نتیجه‌اش از دست دادن بخش عمده‌ای از درآمد و دانش سنتی بومی‌ها بوده است. سیستم‌های دانشی بومی‌ها در خصوص دارو، کشاورزی و شیلات، پایهٔ اصلی برآورده ساختن نیازهای غذایی، بهداشتی و سلامتی آنهاست. این منبع عظیم دانش که سال‌ها به دست بومی‌ها حفظ و حراست و نگهداری شده، به عنوان میراث طبیعی مورد احترام آنها بوده است. حفاظت و بهره‌برداری با ظرافت تمام در دل سیستم‌های دانشی و فرهنگ بومی‌ها جای گرفته است. تسهیم و تبادل تنوع زیستی و دانش مرتبط با ویژگی‌ها و نحوهٔ استفاده از آن به صورت یک هنجار در تمام جوامع بومی بوده و خواهد بود. محکوم کردن کشاورزی چرخشی، کشت و زرع متغیر به عنوان عامل تخریب محیط زیست منتهی به از دست دادن زمین‌ها و نقض حقوق جوامع بومی در بسیاری از کشورها شده است.^۳ «غذا اساساً برای خانواده و جامعه تولید می‌شود و مازاد آن معمولاً ابتدا در داخل دهکده و سپس در مراکز دادوستد معامله می‌شود. برای جوامع محلی تجارت تهاتری فقط یک ضرورت اقتصادی نیست، بلکه شکلی هم از تعامل اجتماعی است، به ویژه اگر مراکز دادوستد جوامع دیگر را نیز به خود جلب کند. این راه فرصتی برای تسهیم تجارب معامله است. به همین ترتیب ابزار و وسایل نیز برای استفادهٔ محلی تولید می‌شوند. اگر خدمات و مهارت‌های صنعتگران با تقاضای فراوان همراه باشد، بدو در اختیار قوم و خویش و سپس به دیگر اعضای جامعه و در نهایت به خارج از مناطق محلی تعلق می‌گیرد.»^۴ «استفادهٔ پایدار از منابع به عنوان یکی دیگر از اصول اساسی سیستم‌های

1. Ibid, 42.

2. Ibid, 43.

3. Ibid, 45.

4. *Op.cit*, note 183.

اقتصادی بومی‌هاست. روش زندگی جوامع بومی نسبتاً ساده و همراستا با مدیریت پایدار منابع آنهاست. بومی‌ها از مواد محلی در صنایع و ابزارهایشان استفاده می‌کنند، موافق با استفاده‌ی اتلاف کارانه از منابع نیستند و از منطقه‌بندی برای استفاده‌های مختلف از زمین استفاده می‌کنند. سازوکارهای تنظیمی برای تضمین استفاده‌ی پایدار به کار گرفته می‌شود.^۱

استفاده از جانوران وحشی جنبه‌های معیشتی مهمی را داراست. محصولات ناشی از این جانوران، اغلب اقلام مصرفی اصلی بوده و ارزش‌های دارویی و معنوی بالایی را در بسیاری از فرهنگ‌های انسانی دارد. کشورهای توسعه یافته حیات‌وحش را دارای ارزش مالی برای جوامع محلی می‌بینند، چون که امرار معاش این مردم وابسته به استخراج از منابع طبیعی است. «از سوی دیگر بعضی تحقیقات نشان می‌دهد مردمی که در اطراف پارک‌های ملی زندگی می‌کنند، دارای آن دسته ارزش‌های فرهنگی‌اند که آنها را قادر می‌سازد که مشتاقانه شاهد ادامه حیات جانوران وحشی در اطراف خود باشند و برای آنها ارزش حیات‌وحش بیش از ارزش و منافع اقتصادی است.»^۲ «در نامیبیا مقامات قبایل سنتی از ایجاد مناطق حفاظت شده برای کمک به بازگشت جانوران وحشی به سرزمین خود حمایت می‌کنند.»^۳

طبیعت و حیات‌وحش منابع بزرگ فلسفی و معنوی هستند و الهام‌بخش تجربه‌های مذهبی، فلسفی و معنوی در نظر گرفته می‌شوند. «صرفاً این ایده که آنها با نهنگ‌های سفید، اورانگوتان‌ها و چیتاها در کره زمین شریک‌اند، می‌تواند برای آنها الهام‌بخش باشد. آنچه که در اینجا با ارزش است، امکان وجود و ادامه حیات یک گونه است، اگرچه ممکن است فرد قادر به دیدن آن نباشد.»^۴ بسیاری از گونه‌ها، انتظار می‌رود، منافع کشاورزی، صنعتی و طبی داشته باشند و از دست دادن چنین گونه‌هایی ذخایر ژنتیکی جانوران وحشی را کاهش می‌دهد.

زندگی بومی‌ها و حیات‌وحش در ارتباط تنگاتنگی با هم قرار دارد. نخست اینکه حیات‌وحش بخشی از فرهنگ بومی‌ها را تشکیل می‌دهد. «جانوران وحشی مختلف پایه افسانه‌ها، سیستم‌های اعتقادی سنتی، هنر و فرهنگ‌اند. جانوران وحشی در رقص‌ها مورد تقلید قرار می‌گیرند و غنایم ناشی از شکار آنها به عنوان زینت‌آلات شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرند. اینها اساس بخش عظیمی از سنت شفاهی جوامع بومی را تشکیل می‌دهند.

1. *Op.cit*, note 182.

2. *Idem*.

3. B. Paterson, "Ethics for Wildlife Conservation: Overcoming the Human-Nature Dualism", *Bioscience*, Vol. 56, No. 2, 144-150, 2006.

4. *Ibid*, 4

اگر جانوران وحشی که پایه فرهنگ را تشکیل می‌دهند ناپدید شوند، اگر جوانان حیواناتی را نبینند که مبنای افسانه‌ها، رقص‌ها و هنر آنهاست، فرهنگ به آرامی ناپدید خواهد شد. دوم اینکه، جانوران وحشی به واسطه گوشت‌شان منبع بسیار مهمی برای مردم بومی است. جایگزینی این گوشت با گوشت جانوران اهلی هزینه گزافی را در برخواهد داشت. بنابراین گوشت وحوش منفعت اقتصادی غیرمستقیمی را برای بومی‌ها دارد و یک یاری‌دهنده عمده به عنوان منبع حیاتی پروتئین برای بومی‌هاست. شکار در عین حالی که منبع گوشت و درآمد است، یک سنت اجتماعی و فرهنگی مهم نیز برای بومی‌ها محسوب می‌شود (در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه). مصنوعات فرهنگی برگرفته از بخش‌های مختلف بدن جانوران برای استفاده‌های زینتی یا به عنوان غنایم شکار در بین بومی‌ها رواج فراوان دارد. در بسیاری از فرهنگ‌ها شکارچی بودن برای کسب احترام، نشانه مردانگی یا انتخاب عروس ضروری است. پس مردم شکار می‌کنند حتی وقتی که منابع تغذیه و درآمد دیگری در اختیار دارند.^۱

برهم زدن زندگی هماهنگ با طبیعت، آسیب‌های قابل توجهی را به حیات بومی‌ها و جوامع محلی وارد می‌سازد و باعث از بین رفتن بخش عظیمی از سرمایه یک مملکت نیز می‌شود. وظیفه دولت‌ها در نشان دادن رحم و شفقت نسبت به مخلوقات زنده تعیین‌کننده رابطه قانونی بین انسان‌ها و جانوران است. از آنجایی که جانوران قادر به تکلم نیستند و بی‌پناه‌اند و نمی‌توانند حقوق خود را اعمال کنند، حقوق آنها در وظیفه انسان‌ها نسبت به آنها نمود پیدا می‌کند.

بهره‌برداری بیش از حد از حیات وحش نتیجه بسیاری از عوامل مانند افزایش جمعیت، فقر و مصرف، استفاده و توسعه ناپایدار است. در نقطه تلاقی این عوامل مسأله استفاده پایدار و به ویژه این مسأله قرار دارد که چطور بین این عوامل چندگانه می‌توان توازن برقرار کرد تا حمایت و حفاظت و استفاده پایدار از حیات وحش تضمین شود؟ «در استفاده پایدار از حیات وحش، فرض بر این است که حد آستانه‌ای وجود دارد که براساس آن، بهره‌برداری بیش از حد از حیات وحش را ناپایدار می‌سازد. این حد آستانه در نقطه تعادل قرار دارد. مطمئناً این حد آستانه مفهومی بسیار نظری است. اگرچه چنین نقطه تعادلی وجود دارد، تشخیص آن مشکل است. اگر بهره‌برداری از حیات وحش برای مقاصد اقتصادی، بهداشتی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر مهمی بر جمعیت جانوران، زیستگاه آنها و عملکرد بوم‌شناختی آنها نداشته باشد، پایداری وجود خواهد داشت. به هر حال شرایطی وجود دارد که تحت تأثیر آنها شکار

1. L. Pakse, "Wildlife Conservation and Local Communities in Sarawak, Malaysia", Paper Presented at the Second Regional Forum for Southeast Asia of the IUCN World Commission for Protected Areas, Dec. 1999.

جانوران وحشی برای معاش و استفاده تجاری اثر کمی بر جمعیت این جانوران دارد؛ اما تضمین این شرایط مشکل به نظر می‌رسد و حتی اگر تضمین شود، در اجرا با مشکل روبه‌رو خواهیم بود.^۱

چالش‌های استفاده پایدار از حیات وحش به واسطه فقدان قوانین مؤثر، اجرای ناکارآمد رژیم‌های حقوقی موجود، فقدان ظرفیت درک استفاده پایدار از حیات وحش، پیچیده‌تر می‌شوند. چالش‌نهایی، فقدان نهادهای تحقیقاتی و آموزشی برای آموزش متخصصان حیات وحش است.

استفاده پایدار در توافقنامه‌های زیست‌محیطی چندجانبه همچون کنوانسیون تنوع زیستی، قطعنامه ۱ و ۸ کنوانسیون، گونه‌های مهاجر در خصوص استفاده پایدار، اصول و دستورالعمل‌های آدیس آبابا،^۲ کنوانسیون رامسر و کنوانسیون سائیتیس مورد خطاب قرار می‌گیرد. در این بخش ضمن بررسی اهمیت و ارزش حیات وحش در اکوسیستم و رهیافت‌های حفاظت از آن، رابطه پایدار بومی‌ها و جوامع محلی با حیات وحش و نیز موازین به کار گرفته شده در حفظ این پایداری به تصویر کشیده شدند.

بومی‌ها و جوامع محلی

معاهدات حیات وحش - محور

در این قسمت، جایگاه بومی‌ها و جوامع محلی در حفاظت بین‌المللی از جانوران وحشی و با بررسی مجموعه متنوعی از کنوانسیون‌های بین‌المللی حیات وحش - محور مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. انتخاب کنوانسیون‌های مزبور با علم بر این مطلب بوده است که حقوق بین‌الملل تصویر بسیار پیچیده‌ای را از حفاظت از جانوران وحشی ارائه می‌دهد؛ زیرا:

الف - از روش‌های متفاوت استفاده می‌کند؛

ب - در برگیرنده مناطق داخل یا خارج از مرزهای ملی است؛

ج - مناطقی مانند قطب جنوب و مناطق دریایی بین‌المللی با رژیم حقوقی ویژه را نیز شامل می‌شود و؛

د - موضوع حفاظت حقوقی از حیات وحش (در اینجا به طور اختصاص جانوران وحشی) مرز گذر است. این مقوله گسترده از حقوق بین‌الملل، رهیافت‌های متنوعی را در خصوص حفاظت از جانوران وحشی به کار می‌گیرد همانند حفاظت از زیستگاه، حفاظت از گونه‌ها، حفاظت از طریق کنترل تجارت و حفاظت به عنوان بخشی از سیستم زیستی. این کنوانسیون‌ها، بسته

1. <http://www.unep.org/igb/pdf/sustainableuse.pdf>.

2. Sustainable Use of Biodiversity: Adis Ababa Principles and Guidelines Resolution IX.1 Annex A Adopted by COP3 (1987) and COP7 (1999).

به رهیافتی که نسبت به بومی‌ها و جوامع محلی دارند به شرح زیر تقسیم‌بندی شده و به بحث گذاشته می‌شوند:

رهیافت اول - در این رهیافت، امضاکنندگان معاهدات خود تعیین می‌کنند برای مقاصد معاهده چه کسانی بومی و جوامع محلی در نظر گرفته شوند؟ بر این اساس دو کنوانسیون را بررسی می‌کنیم:

کنوانسیون حفاظت و مدیریت ویکونا (۱۹۷۹)^۱

این کنوانسیون با هدف ارتقای حفاظت و مدیریت ویکونا و برقراری توازن بین منافع اقتصادی ویکونا و ضروریات حفاظتی، به دست جمهوری‌های بولیوی، شیلی، اکوادور و پرو به تصویب رسید.

در مادهٔ یک این کنوانسیون ساکنان کوه‌های آند به عنوان بومی‌ها و جوامع محلی و ذی‌نفع‌های اصلی استفاده از ویکونا متمایز می‌شوند بدون اینکه کوچک‌ترین نقشی برای آنها در فرایندهای حفاظت، مدیریت، تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری و هر گونه امور مرتبط با ویکونا در نظر گرفته شود و صرفاً کشورهای امضاکننده به توافق می‌رسند که حفاظت از ویکونا، یک گزینهٔ تولید اقتصادی به نفع «جمعیت ساکن در کوه‌های آند»^۲ ایجاد می‌کند؛ بنابراین متعهد به استفادهٔ تدریجی و کنترل شدهٔ ویکونا با به کارگیری روش‌های فنی برای مدیریت جانوران وحشی و تحت نظر مقامات رسمی صلاحیت‌دار می‌شوند.

لیکن روند اجرای کنوانسیون در کشورهای حوزهٔ آند، براساس نتایج تحقیق میدانی انجام شدهٔ لیختن اشتاین و دیگران در سال ۲۰۰۸ خبر از پُر رنگ شدن نقش بومی‌ها و جوامع محلی می‌دهد.^۳ براساس یافته‌های این تحقیق: کنوانسیون ویکونا در کشورهای عضو این کنوانسیون بر طبق قوانین داخلی هر یک از این کشورها به اجرا درآمده و پروژه‌های مدیریت ویکونا از منطق مدیریت حیات‌وحش جامعه - محور تبعیت نموده است.

کنوانسیون موقت برای حفاظت از فک‌های خردار اقیانوس آرام شمالی (۱۹۵۷)^۴

این کنوانسیون با هدف اتخاذ موازینی برای دستیابی به حداکثر بهره‌وری پایدار از منابع فک‌های خردار اقیانوس آرام شمالی ضمن توجه به بهره‌وری دیگر منابع زندهٔ دریایی در منطقه از سوی دولت‌های کانادا، ژاپن، اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا به تصویب رسید.

1. Convention for the Conservation and Management of the Vicuna (Lima), 20 Dec. 1979, IELMT 979:94

2. Andean Population

3. Gabriela Lichtenstein, "Vicuna Conservation and Poverty Alleviation? Andean Communities and International Fiber Markets" International Journal of Commons, Vol. 4, No. 1, 2010.

4. Interim Convention on Conservation of North Pacific Fur Seals, Op.cit, note 7.

کنوانسیون موقت برای حفاظت از فک‌های خردار اقیانوس آرام شمالی که در سطح بین‌الملل به عنوان مدل و برنامه حفاظتی موفق در احیای جمعیت فک‌های خردار از ۳۰۰۰۰۰ در اوایل دهه ۱۹۰۰ تا ۱/۴ میلیون در سطح فعلی در نظر گرفته می‌شود، در بند چهارم پاراگراف دوم ماده ۵ خود لازم می‌داند که به نیازهای معیشتی «سرخپوستان، اینوها، آلویته‌ها و اسکیموهای»^۱ ساکن در جزایر محل پرورش فک‌های خردار توجه کافی شود. هنگامی که این امکان وجود ندارد که گوشت فک کافی برای آنها از فعالیت‌های صید تجاری و تحقیقاتی فراهم شود و به این وسیله این جوامع را به عنوان بومی‌ها و جوامع محلی از دیگران متمایز می‌کند.

نکته جالب توجه این است که در عین حالی که در این کنوانسیون بر اهمیت تحقیقات به روش علمی و رسمی برای دستیابی به حداکثر بهره‌وری پایدار تأکید می‌شود، به روشنی این ایده پذیرفته می‌شود که روش سنتی انجام کارها نیز می‌تواند پایدار باشد. سپس در ماده ۷ خود تصریح می‌کند که قیود این کنوانسیون بر جوامع نام برده اعمال نمی‌شود. اگر برای صید فک خردار از کانون‌های غیرمرتبط با کشتی‌های دیگر که با پارو یا بادبان حرکت می‌کنند و بیش از پنج سرنشین ندارند و به همان روش سنتی خود و بدون به کارگیری سلاح گرم استفاده کنند و در استخدام اشخاص دیگر نباشند و تحت قرارداد حمل پوست به اشخاص دیگر نیز فعالیت نمایند و به این ترتیب از سویی به این جوامع بها می‌دهد و از طرف دیگر برای آنها محدودیت‌های فراوانی را در کاربرد روش‌های سنتی‌شان ایجاد می‌کند.

در بیانیه دولت‌های عضو در جریان امضای پروتکل اصلاحی این کنوانسیون در سال ۱۹۸۴، این دولت‌ها نگرانی خود را در خصوص کاهش جمعیت‌های فک خردار و نیز افول شرایط اقتصادی و دیگر مشکلات حفاظت و استفاده از فک‌های خردار را ابراز داشته و اعلام نمودند که موازینی در خصوص ممنوعیت استفاده از مواد مصنوعی همچون تورها و ابزار ماهیگیری، طناب، باندهای بسته‌بندی و دیگر وسایلی که موجب گرفتاری فک‌های خردار شوند، اتخاذ خواهند نمود. به نظر می‌رسد با این موازین به طور غیرمستقیم روش‌های سنتی صید به دست بومی‌ها را باز هم محدودتر خواهند ساخت.

رهیافت دوم - در این رهیافت معیار تشخیص بومی‌ها در معاهدات تعریف نمی‌شود و بر عهده امضاکنندگان گذاشته می‌شود که به طور موردی در آن خصوص تصمیم بگیرند و خود تعیین کنند که این مفاهیم چطور تفسیر شوند. گاهی نیز تعریف بومی‌ها بدیهی در نظر گرفته می‌شود و ویژگی‌های خارجی مثل وسیله معاش به کمک این تعریف می‌آید. در این مورد سه سند را بررسی می‌کنیم:

1. Indians, Ainos, Aleuts and Eskimos

توافقنامه حفاظت از خرس‌های قطبی (۱۹۷۳)^۱

این توافقنامه بین دولت‌های کانادا، دانمارک، نروژ، اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا به امضا رسید. تجارت خرس‌های قطبی یا مشتقات آنها طبق این توافقنامه ممنوع است (بند ۲ ماده ۳) که این امر خود مشوقی برای تحقیق، تبعیت بومی‌ها و کشورهای غیرعضو از این کنوانسیون و نیز مشاوره است. در این کنوانسیون جوامع محلی و روش‌های سنتی آنها برای شکار مورد شناسایی قرار می‌گیرد. با توجه به بخش چهارم بند ۱ ماده ۳ مردم محلی در اعمال حقوق سنتی خود مجاز به شکار خرس‌های قطبی‌اند؛ اگر از روش‌های سنتی و مطابق با قوانین کشور خود استفاده کنند. در اینجا حق حاکمیت ملی دولت‌ها نقش تعیین‌کننده در تعیین محدوده حقوق بومی‌ها در اعمال روش‌های سنتی زندگی خود دارد. همچنین نقش بومی‌ها در حفاظت از خرس‌های قطبی با توجه به متن کنوانسیون محدود به اعمال روش‌های سنتی شکار است. این در حالی است که نشست اعضای کنوانسیون که در تاریخ ۲۴-۲۶ اکتبر ۲۰۱۱ در کانادا و با هدف روزآمدسازی موازین حفاظت از خرس‌های قطبی، بررسی پیشرفت طرح‌های ملی و تهیه برنامه کار برگزار شد که نقش این جوامع تا حدی فراتر رفت.^۲

ایالات متحده آمریکا خود را متعهد به برقراری مشارکت‌های داخلی نمود و بر کاهش تعاملات بین انسان و خرس تأکید کرد که این امر می‌تواند ناشی از نادیده گرفتن منافع غیراقتصادی خرس‌ها برای بومی‌ها و جوامع محلی باشد؛ موازین اولویتی در استراتژی جمهوری فدراتیو روسیه برای حفاظت از خرس‌های قطبی در بین دیگر امور، شامل افزایش آگاهی و آموزش می‌شد. همچنین در جریان سومین نشست کمیسیون خرس قطبی روسیه - آمریکا بر پروژه‌های متعددی برای تضمین مشارکت کامل بومی‌ها در حفاظت از جمعیت آلاسکا - چوکوتا و اهمیت مداوم دانش بوم‌شناختی سنتی آنها توافق نمودند؛ گرینلند خبر از وجود روابط کاری خوب بین دانشمندان و رژیم مدیریتی و شکارچیان در امور مدیریت و نظارت بر خرس‌های قطبی داد و در نهایت در مورد فرایند توسعه برنامه عمل در سطح کشورهای متعاقد بر لزوم تلاش برای ایجاد توازن بین حفاظت از خرس قطبی و نیازهای جوامعی که در کنار آنها زندگی می‌کنند و نیز بر اهمیت توجه روز افزون به دانش بوم‌شناختی سنتی و تضمین مداخله بومی‌ها در سطوح داخلی و بین‌المللی تأکید شد.

1. Agreement on Conservation of Polar Bears, Oslo, 15 Nov. 1973, in force May 1976 [13 ILM 13 (1973)]

2. Meeting of the Parties to the 1973 Agreement on the conservation of Polar Bears, Iqaluit, Nunqut, Canada, 24-26 October 2011.

کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر جانوران وحشی (کنوانسیون بن، ۱۹۷۹)^۱
می‌توان گفت کنوانسیون بن به سه دلیل کنوانسیون جالب است: گستره وسیعی از خطرها برای گونه‌های فهرست شده را پوشش می‌دهد؛ مواد بسیار محدودکننده‌ای را داراست؛ به دلیل ایجاد توافقنامه‌های فرعی (متمم) در خصوص گونه‌های خاص، موجب ایجاد رویه در حقوق بین‌الملل حیات وحش - محور شده است.

هدف اصلی این کنوانسیون، حفاظت و مدیریت مؤثر گونه‌های مهاجر و حمایت و حفاظت از آنها در کلیه مراحل مهاجرت آنهاست. مقدمه این کنوانسیون با ذکر ویژگی وسیله معاش، بومی‌ها و جوامع محلی را از دیگران مستثنا می‌سازد: «کشورهایی که در حوزه گونه‌های مهاجر فهرست شده در ضمیمه یک کنوانسیون قرار دارند باید شکار این گونه‌ها را ممنوع سازند. استثنای بر این ممنوعیت در صورتی وارد است که این شکار در جهت برآورده ساختن نیازهای استفاده‌کنندگان سنتی از این وسیله معاش باشد.»

سپس در بند ۹ ماده ۷ خود هر گونه مؤسسه (که به نظر محقق می‌تواند غیردولتی و از جمله متشکل از نمایندگان از بومی‌ها و جوامع محلی نیز باشد) و رکن واجد شرایط حمایت و حفاظت و مدیریت گونه مهاجر را قابل پذیرش در نشست‌های کنفرانس اعضا می‌داند. در روند اجرای این کنوانسیون با توجه به گزارش هفتمین نشست کنفرانس اعضای کنوانسیون بن در تاریخ ۱۸-۲۴ سپتامبر ۲۰۰۲ نقش بومی‌ها را متفاوت مشاهده می‌کنیم؛^۲ در نشست مزبور «برنامه ارزیابی اکوسیستم هزاره»^۳ که در ژوئن سال ۲۰۰۱ برای ارزیابی ظرفیت اکوسیستم‌ها در حمایت از سعادت و رفاه و حیات انسان روی زمین آغاز به کار نمود، مورد بررسی قرار گرفت. این برنامه را هیأتی متشکل از نمایندگان ذی‌نفع مختلف از جمله بومی‌ها اداره می‌کنند. برنامه مزبور از طیف وسیعی از اطلاعات استفاده می‌کند که شامل دانش سنتی و بومی نیز می‌شود. از آنجایی که برنامه ارزیابی هزاره نوعی فرایند ارزیابی براساس نیازهاست، قدم‌هایی برداشته شده تا استفاده‌کنندگان بی‌شماری را در طراحی این برنامه به صورت رسمی و غیررسمی دخیل سازد. در این راستا نشست‌ها و مشاوره‌هایی طرح‌ریزی شده‌اند که نیازهای جامعه مدنی و سازمان‌های بومی را مورد شناسایی قرار می‌دهند. این برنامه همچنین در انجمن‌های متعدد، فرصت‌های گفتگو را در سطوح منطقه‌ای، ملی و محلی با ذی‌نفع‌های مختلف این ارزیابی ایجاد می‌سازد.

1. Convention on the Conservation of Migratory Species of Wild Animals (Bonn Convention), Op.cit, note 107.

2. Seventh Meeting of the Conference of the Parties, Bonn 18-24 Sept. 2002, UNEP/CMS/Inf.7-22.

3. Millenium Ecosystem Assessment Program

کنوانسیون تنوع زیستی سازمان ملل (۱۹۹۲)^۱

این کنوانسیون سه هدف عمده را دنبال می‌کند: حفاظت از تنوع زیستی، استفاده پایدار از اجزای تنوع زیستی و تسهیم منصفانه منافع ناشی از استفاده از منابع ژنتیکی (ماده ۱). کنوانسیون تنوع زیستی در بند ۳ مقدمه خود حفظ تنوع زیستی را مسأله تمام بشریت معرفی می‌کند.

کنوانسیون تنوع زیستی در بند ۱۰ ماده ۸ خود بر اهمیت حفظ و احترام کشورهای عضو نسبت به دانش، ابتکارها، آداب و رسوم بومی‌ها و جوامع محلی که در برگیرنده شیوه‌های زندگی مناسب برای حفاظت و استفاده صحیح از تنوع زیستی‌اند؛ تأکید نموده و مشارکت دارندگان این دانش، ابتکارها و آداب و رسوم، کاربرد وسیع‌تر آنها با رضایت و مداخله صاحبان آنها و تسهیم عادلانه مزایای حاصل از بهره‌برداری آنها را مورد تأیید و تشویق قرار داده است. کنوانسیون تنوع زیستی تعریفی از بومی‌ها و جوامع محلی ارائه نمی‌دهد و ضمن احترام به حق حاکمیت دولت‌ها هر گونه تفسیر در خصوص طبقه‌بندی گروه‌های مردمی به عنوان بومی‌ها و جوامع محلی را در زمره مسائل ملی قرار می‌دهد. از این‌رو تعریف این را که کدام مردم بومی هستند، مرزهای حاکمیتی تعیین می‌کنند. این کنوانسیون ضمن ارج نهادن بر دانش سنتی پیشنهاد می‌کند که بومی‌ها محدود به فناوری سنتی نباشند و از دسترسی بومی‌ها و استفاده آنها از جدیدترین و مدرن‌ترین فناوری‌ها حمایت می‌کند.

دستورالعمل‌های بن ۲۰۰۲^۲ این کنوانسیون، جوامع محلی را به عنوان ذی‌نفع‌هایی در نظر می‌گیرد که شایسته توجه خاص‌اند. اگرچه این دستورالعمل‌ها به لحاظ قانونی الزام‌آور نیستند، مورد پذیرش بیش از ۱۸۰ کشور عضو این کنوانسیون قرار گرفته‌اند، یک شبهه سرشماری در صحنه بین‌المللی که به این دستورالعمل‌ها قدرت و اعتبار حقوقی خاص می‌دهد. دستورالعمل‌های «آکوی: کن»^۳ نیز یک فرایند ده مرحله‌ای را برای ارزیابی تأثیر فرهنگی، محیط زیستی و اجتماعی توسعه مناطق مقدس یا مناطقی ارائه می‌دهد که به طور سنتی در اشغال بومی‌ها و جوامع محلی بوده‌اند.

با حمایت وسیع کمیسیون اروپا و دبیرخانه کنوانسیون‌های سایتیس و تنوع زیستی، در سال ۲۰۱۱ نشست^۴ برگزار شد که در آن ۵۵ متخصص به نمایندگی از ۴۳ دولت، آژانس‌های

1. Convention on Biological Diversity. Op.cit, note 12.

2. Conference of the Parties to the Convention on Biological Diversity, The Hague, Netherlands, 7-19 April 2002 [CBD COP 6], Decision VI/24, "Bonn Guidelines on Access to Genetic Resources and Fair and Equitable Sharing of the Benefits Arising out of their Utilization".

3. CBD COP7, Kuala Lumpur, Malaysia, 9-20 Feb. 2004, Decision VII/16F, Akwe: Kon, Voluntary Guidelines for the Conduct of Cultural, Environmental and Social Impact Assessment Regarding Developments Proposed to Take Place on, or which are Likely to Impact on Sacred Sites and on Lands .

4. Joint Meeting of the CBD Liaison Group on Bushmeat and CITES Central Africa Bushmeat Working

سازمان ملل، سازمان‌های ملی و بین‌المللی، بومی‌ها و جوامع محلی شرکت داشتند. در این نشست که مرتبط با گوشت جانوران وحشی می‌شد بر خطری که تجاری‌سازی این نوع گوشت می‌توانست برای امنیت غذایی، عرف، معاش، هویت فرهنگی و معنوی بومی‌ها و جوامع محلی ایجاد کند؛ تأکید شد و نیز اهمیت مشارکت کامل و مؤثر بومی‌ها و جوامع محلی در توسعه سیاست‌ها و موازین برای مدیریت بهتر جانوران وحشی مناطق استوایی و زیراستوایی مورد تأیید قرار گرفت و هشدار داده شد که اقتصاد ملی منافع قابل توجهی را از دست خواهد داد؛ اگر مدیریت جانوران وحشی به عنوان یک منبع کلیدی، ضعیف باشد. همچنین کارگروه مرتبط با گوشت جانوران وحشی کنوانسیون تنوع زیستی، تعریفی جدید از شکار جانوران وحشی برای گوشت آنها ارائه داد که در آن این نوع شکار را به عنوان برداشت از جانوران وحشی کشورهای استوایی و زیر استوایی برای مقاصد غذایی و غیرغذایی شامل استفاده طبی، عنوان نمود و با این تعریف متفاوت در حقیقت ارزش فرهنگی جانوران وحشی را برای بومی‌ها و جوامع محلی تأیید نمود.

در سال ۲۰۰۰ کنوانسیون تنوع زیستی فرایندی را آغاز کرد تا اصول استفاده پایدار را ایجاد کند و در نهایت در هفتمین کنفرانس اعضا در سال ۲۰۰۴ اصول و دستورالعمل‌های چهارده‌گانه آدیس آبابا^۱ را برای استفاده پایدار از تنوع زیستی مورد پذیرش قرار داد. اصول مزبور بر این پایه استوارند که این امکان وجود دارد که از تنوع زیستی طوری استفاده کنیم که فرایندهای بوم‌شناختی و تنوع ژنتیکی و گونه‌ها بالاتر از آستانه مورد نیاز برای دوام طولانی مدت، باقی بماند و اینکه تمام مدیران و استفاده‌کنندگان (بومی و غیربومی) با توجه به اصل ۲ آدیس آبابا مسؤلیت دارند تا تضمین کنند چنین استفاده‌ای از آستانه مزبور تجاوز نکند. اصول و دستورالعمل‌های آدیس آبابا همچنین بر اهمیت حفظ یا احیای تنوع زیستی در اکوسیستم‌ها تأکید می‌کنند تا تضمینی باشد برای پایداری بلند مدت خدمات بوم‌شناختی که تنوع زیستی و مردم به آن وابسته‌اند. استفاده‌کنندگان و مدیران در تمام سطوح جغرافیایی و نهادی تشویق می‌شوند تا این اصول را عملاً برای شرایط محلی به کار بندند و در اجرای این امر با توجه به اصل ۴ آدیس آبابا مدیریت استفاده پایدار باید بر پایه علم و دانش سنتی و محلی انجام پذیرد. مهم‌تر اینکه بنابر اصل ۱۲ آدیس آبابا نیازهای بومی‌ها و جوامع محلی که با استفاده از تنوع زیستی زندگی می‌کنند و متأثر از استفاده و حفاظت از آن‌اند و نیز کمک‌های آنها به حفاظت و استفاده پایدار باید در توزیع منصفانه منافع ناشی از استفاده از این منافع منعکس شود. در نهایت در اصل چهاردهم این مجموعه بر اهمیت برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌رسانی به عموم در خصوص حفاظت و استفاده پایدار تأکید می‌گردد.

Group, Nairobi, 7-10 June 2011.

1. Addis Ababa Principles and Guidelines, *Op.cit.*, note 193.

علاوه بر پیشرفت‌های اجرایی یاد شده، کنوانسیون تنوع زیستی برنامه‌ راهبردی ۲۰۱۱-۲۰۲۰ را برای تنوع زیستی ارائه داده که هدف آن ارتقای اجرای مؤثر کنوانسیون تنوع زیستی به واسطه یک رهیافت راهبردی است که شامل اهداف تنوع زیستی آیچی می‌شود که الهام‌بخش اقدامات گسترده از طرف تمام اعضا و ذی‌نفع‌های این کنوانسیون می‌شود. اهداف آیچی خود به پنج دسته اهداف راهبردی تقسیم می‌شوند. دسته چهارم این اهداف مرتبط با افزایش منافع تنوع زیستی و خدمات اکوسیستمی برای همه است که در آن انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۰ اکوسیستم‌هایی اعاده شوند که خدمات اساسی را ارائه می‌دهند و با توجه به نیازها از جمله نیازهای بومی‌ها و جوامع محلی مورد حفظ و حراست قرار گیرند. همچنین با توجه به گروه پنجم این اهداف برآورد می‌شود تا سال ۲۰۲۰ دانش سنتی، ابتکارها و کارهای بومی‌ها و جوامع محلی در ارتباط با حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی و استفاده عرفی آنها از منابع بیولوژیکی تحت قوانین ملی و الزامات بین‌المللی مربوطه مورد احترام قرار گرفته و در اجرای کنوانسیون با مشارکت بومی‌ها و جوامع محلی در تمام سطوح مربوطه منعکس گردند.

رهیافت سوم - براساس این رهیافت، در متن کنوانسیون‌ها، بومی‌ها و جوامع محلی از دیگر اقشار متمایز نمی‌شوند؛ لیکن در اجرای عملی کنوانسیون‌ها این جوامع نقش‌های کلیدی را عهده‌دار می‌گردند. در این مورد چهار کنوانسیون مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های گیاهی و جانوری تحت خطر (سایتیس، ۱۹۷۳)

کنوانسیون سایتیس در سال ۱۹۷۳ به تصویب رسید و در حال حاضر ده‌ها هزار گونه گیاهی و جانوری تحت مقررات این کنوانسیون قرار دارند. در مقدمه آن آمده است: هدف اصلی این کنوانسیون همکاری بین‌المللی برای حفاظت از گیاهان و جانوران در برابر بهره‌برداری بیش از حد به واسطه تجارت بین‌المللی است. کنوانسیون سایتیس در بند سوم مقدمه خود مردم و دولت‌ها را به عنوان بهترین حامیان و محافظان گیاهان و جانوران وحشی مورد شناسایی قرار می‌دهد و بومی‌ها و جوامع محلی را متمایز نمی‌سازد. همچنین در مواد ۷-۱۱ و ۱-۱۲ خود از مشارکت ارکان یا آژانس‌های مختلف واجد شرایط حمایت و حفاظت و مدیریت گیاهان و جانوران وحشی سخن می‌راند بدون اینکه به بومی‌ها و جوامع محلی به عنوان اقشار قابل در این امور که با طبیعت عجین شده‌اند و خود را از آن جدا نمی‌دانند، اشاره‌ای داشته باشد. این در حالی است که کنوانسیون سایتیس در جریان سیزدهمین نشست اعضای

1. Strategic Plan for Biodiversity 2011-2020 and the Aichi Biodiversity Targets: <http://www.cbd.int/decision/cop/?id=12268>.

2. Convention on the International Trade in Endangered Species (CITES), *Op.cit.*, note 101.

خود در سال ۲۰۰۴ اصول و دستورالعمل‌های آدیس‌آبابا را که مورد بحث قرار گرفتند، رسماً مورد شناسایی قرار داد.

در جریان شصت‌ویکمین نشست کمیته دائمی سایتیس در ژنو سوییس^۱، به اهمیت علم، نظارت و دانش سنتی و بومی تأکید شد و نیاز به ظرفیت‌سازی، آموزش و افزایش آگاهی مورد شناسایی قرار گرفت. همچنین بر تأثیر تجارت بین‌المللی گوشت جانوران وحشی بر بقای گونه‌ها و معاش بومی‌ها و جوامع محلی وابسته به آن تأکید مجدد نمودند. از این رو باید گفت در جریان تصویب کنوانسیون سایتیس ظاهراً بومی بودن و جوامع بومی و محلی مسأله مورد نظر نبوده و صرفاً پس از اینکه دبیرخانه این کنوانسیون در زیر چتر کنوانسیون تنوع زیستی برای حفاظت از تنوع زیستی به فعالیت پرداخت، بومی‌ها و جوامع محلی در ارتباط با مثلاً تجارت گوشت جانوران وحشی مورد توجه قرار گرفتند.

کنوانسیون یونسکو برای حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی (۱۹۷۲)^۲

هدف این کنوانسیون برقراری سیستمی جمعی برای حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی است که شامل حفاظت از زیستگاه گونه‌های تحت خطر هم می‌شود. کنوانسیون یونسکو برای حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی در بند پنجم مقدمه خود اشاره به این مطلب می‌کند که این کنوانسیون نشانگر اهمیتی است که همه مردم جهان برای حفظ و حراست از این دارایی‌های منحصر به فرد و غیرقابل جایگزین قائل‌اند بدون اینکه برای آنها مهم باشد که این دارایی‌ها متعلق به کیست؟ و این استفاده از واژه‌های عمومی چون «مردم» را در مواد خود ادامه می‌دهد.

در ماده یک، مناطقی را که میراث فرهنگی قلمداد می‌شوند آثار انسان‌ها یا آثار ترکیبی انسان و طبیعت می‌نامد؛ در بند سوم از ماده ۸ خود نمایندگان سازمان‌های غیردولتی (که احتمالاً از بومی‌ها و جوامع محلی نیز هستند) را که دارای اهداف مشابه‌اند، به عنوان مشاور مجاز به شرکت در نشست‌های کارگروه می‌نماید؛ در بند چهارم ماده ۱۳ لزوم احترام به نبوغ و تاریخ مردم جهان را در اولویت‌های عملکردی خود یادآور می‌شود؛ در بند دوم از ماده ۲۲ از متخصصان، تکنیسین‌ها و افراد ماهر در کار خود کمک طلب می‌کند و در بند سوم از ماده ۲۲ به آموزش کارکنان و متخصصان در تمام سطوح برای شناسایی، حمایت، حفاظت، معرفی و احیای میراث فرهنگی و طبیعی اشعار دارد.

با توجه به مطالب فوق، این کنوانسیون در تئوری اشاره مستقیم به بومی‌ها و جوامع محلی

1. Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora, Sixty-first Meeting of the Standing Committee, Geneva (Switzerland) 15-19 Aug: 2011, S C 61 Doc.42.

2. Convention for the Protection of the World Cultural and Natural Heritage. *Op.cit.*, note 8.

نمی‌کند؛ اما در فرایند اجرای عملی کنوانسیون موضوع بسیار متفاوت است. برای مثال در بندهای مختلف دستورالعمل‌های کاربردی سال ۲۰۱۱ این کنوانسیون شاهد مشارکت فعال بومی‌ها و جوامع محلی هستیم. در بند ۶۴ کشورهای عضو تشویق می‌شوند تا در تهیه فهرست مناطق تنوع وسیعی از ذی‌نفع‌ها از جمله جوامع محلی را مشارکت دهند و مشارکت آنها را در شناسایی، انتخاب و حفاظت از دارایی‌های میراث جهانی تضمین نمایند؛ در بند ۷۷، آن دارایی را واجد ارزش برجسته می‌داند که شاهدهی منحصر به فرد یا استثنایی برای سنت فرهنگی یا تمدنی زنده یا تمدنی ناپدید شده باشد (به طور تلویح فرهنگ و سنن بومی‌ها را در خود جای می‌دهد). در بند ۹۰ بیان می‌کند که فعالیت‌های بشر از جمله فعالیت‌های جوامع سنتی و محلی اغلب در مناطق طبیعی انجام می‌شوند و اگر از لحاظ بوم‌شناختی پایدار باشند همراستا با ارزش برجسته جهانی این مناطق خواهند بود؛ در بند ۱۱۹ کشورهای عضو را تشویق می‌کند تا جوامع و ذی‌نفع‌ها را در حفاظت و مدیریت پایدار دارایی‌های میراث جهانی مشارکت فعال دهند و در بند ۱۲۳ مشارکت مردم محلی را در فرایند انتخاب مناطق از این نظر ضروری می‌داند که آنها را قادر می‌سازد تا در مسؤولیت کشور عضو در حفظ دارایی سهیم باشند.

کنوانسیون بین‌المللی برای تنظیم صید نهنگ (۱۹۴۶)^۲

این کنوانسیون با توجه به علاقه ملل جهان به حفظ و حراست ذخایر نهنگ به عنوان منابع مهم طبیعی و با هدف برقراری سیستمی از مقررات بین‌المللی برای صید نهنگ به تصویب رسید. بند دوم از ماده ۵ این کنوانسیون کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا در اصلاحات برنامه‌ای، علاقه مصرف‌کنندگان محصولات نهنگ را در نظر بگیرند (و به این ترتیب بومی‌ها و جوامع محلی را در زمره مصرف‌کنندگان عمومی این محصولات قرار می‌دهد و هیچ تمایزی قایل نمی‌شود).

با توجه به بند چهارم از مقدمه این کنوانسیون دستیابی به سطح بهینه از ذخایر نهنگ لازم است بدون ورود هر گونه آسیب گسترده غذایی و اقتصادی صورت گیرد (و هیچ اشاره مستقیمی به معیشت و عادات غذایی و ویژگی‌های اقتصادی زندگی بومی‌ها نمی‌شود). در ماده ۳ دولت‌های متعهد مجاز به اعطای مجوزهای ویژه به هر یک از شهروندان کشور خود شناخته می‌شوند (بومی و غیربومی متمایز نمی‌شود) و در ماده ۹ ضمانت اجرای قواعد این کنوانسیون را برای هر یک از اشخاص در

1. Decision 24 COM. WHC. 11/01, Nov.2011, Operational Guidelines for the Implementation of World Heritage Convention.

2. International Convention for the Regulation of Whaling (Washington) 2 Dec. 1946, 16/UNTS 72

حوزه صلاحیت ملی کشورهای متعاقد مطرح می‌سازد (قواعد عرفی بومی‌ها مطرح نمی‌شوند).

کنوانسیون بین‌المللی صید نهنگ براساس ماده ۳ خود کمیسیون بین‌المللی صید نهنگ را پایه‌گذاری می‌کند که متشکل از یک نماینده از هر یک از کشورهای عضو این کنوانسیون است و با این کار حیات بومی‌ها به تدریج متمایز شده و برای این کنوانسیون، اهمیت خاصی دارد:^۱

کمیسیون مزبور در سال ۱۹۸۹ تصمیم گرفت تا تمهیداتی را برای صید محدود نهنگ مانند نهنگ کله‌کمانی قطب شمال، نهنگ خاکستری و گونه‌های در خطر، به عنوان وسیله معاش بومی‌ها فراهم سازد. این کمیسیون از همان آغاز به کار بین صید نهنگ برای مقاصد تجاری و صید نهنگ به عنوان وسیله معاش بومی‌ها تمایز قائل شده است.^۲

اهداف صید نهنگ به عنوان وسیله معاش بومی‌ها به این قرارند: برآورده کردن نیازهای فرهنگی، غذایی و حفظ ذخایر در سطح بهینه یا تلاش برای رساندن به سطح بهینه. طبق مقررات فعلی کمیسیون مزبور، این نوع صید برای دانمارک، جمهوری فدراتیو روسیه، سنت وینسنت، گرنادا و ایالات متحده آمریکا مجاز شناخته شده است. دولت‌های مزبور مسؤولیت دارند تا شواهدی دال بر نیازهای فرهنگی و معیشتی مردم را به کارگروه تسلیم کنند. کارگروه علمی نیز ابزار علمی مناسب را در مورد حدود ایمن صید نهنگ فراهم می‌سازد. کمیسیون مربوطه حدود صید ذخایر را برای معاش بومی‌ها تعیین می‌کند. اهداف مدیریتی تعیین شده از طرف کارگروه علمی این کمیسیون برای دو نوع صید تجاری و معیشتی متفاوت است. در حال حاضر حدود صید معیشتی بومی‌ها برای سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۲ لازم‌الاجرا هستند. کمیسیون بین‌المللی صید نهنگ همچنین بستگاه‌هایی^۳ را برای صید تجاری نهنگ تعیین کرده است.

کنوانسیون تالاب‌های دارای اهمیت بین‌المللی (کنوانسیون رامسر، ۱۹۷۱)^۴

تصویب این کنوانسیون منعکس‌کننده رهیافت حقوقی جدید برای حفاظت از یک زیستگاه خاص بود و نه یک گونه خاص، به این معنی که به طور غیرمستقیم از گونه‌ها حمایت می‌کرد. کنوانسیون رامسر در مقدمه خود، ارتباط متقابل بین انسان و محیط زیست را مورد

1. [www.iwcoffice.org/conservation and management/](http://www.iwcoffice.org/conservation%20and%20management/)

2. Commercial Whaling vs. Aboriginal Subsistence Whaling

3. Whale Sanctuaries

4. Ramsar Convention on Wetlands of International Importance Especially as Waterfowl Habitat (Ramsar) 2 Feb. 1971, 22 ILM 698 (1982)

شناسایی قرار داد و در بند ۵ از ماده ۴ از کشورهای متعاقد می‌خواهد تا به آموزش کارکنان توانا در زمینه تحقیق، مدیریت و نظارت بر تالاب‌ها بپردازند و در کل هیچ‌گونه اشاره‌ای به بومی‌ها و جوامع محلی در متن کنوانسیون دیده نمی‌شود؛ اما در گزارش‌های مرتبط با اجرای کنوانسیون با رهیافتی کاملاً متفاوت نسبت به این جوامع مواجه می‌شویم. می‌توان فرض کرد این تغییر ناشی از رژیم‌های محیط زیستی برخاسته از اجلاس ریو باشد.

در توصیه نامه شماره ۱۴/۱۰^۱ این کنوانسیون، دستورالعمل‌ها برای اجرای مفهوم استفاده عاقلانه ارائه می‌گردد؛ قطعنامه شماره ۵/۶^۲ دخالت جوامع محلی را در توسعه برنامه‌های مدیریت مناطق رامسر و نیز فرایندهای تصمیم‌گیری مرتبط با استفاده عاقلانه از تالاب‌ها را تشویق می‌کند؛ توصیه نامه شماره ۳/۳^۳ به دخالت بومی‌ها و جوامع محلی در مدیریت تالاب‌های رامسر می‌پردازد و از اعضای کنوانسیون می‌خواهد تا تلاش‌هایی تشویقی انجام دهند برای مشارکت فعال و آگاهانه بومی‌ها و جوامع محلی در تالاب‌های فهرست شده رامسر و دیگر تالاب‌ها و حوزه‌های آنها و نیز برای مداخله مستقیم آنها در مدیریت تالاب‌ها و لازم می‌داند تا ارزش دانش و مهارت‌های بومی‌ها و جوامع محلی در ارتباط با مدیریت تالاب مورد شناسایی قرار گیرد و مشارکت این جوامع در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با تالاب‌ها تضمین گردد.

در همین راستا قطعنامه شماره ۴۷/۸^۴ دستورالعمل‌ها برای برقراری و تحکیم مشارکت بومی‌ها و جوامع محلی در مدیریت تالاب‌ها ارائه می‌دهد. این دستورالعمل‌ها لازم می‌دانند تا متعاهدین مشورت گسترده با بومی‌ها و جوامع محلی در سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌های مرتبط با تالاب‌ها داشته باشند و مداخله مستقیم این جوامع را در تصمیم‌سازی برای استفاده پایدار از تالاب‌ها و منابع مورد لزوم تسهیل بخشند. همچنین کشورهای عضو، متخصصان فنی و بومی‌ها و جوامع محلی را تشویق می‌کند تا در برنامه‌ریزی و مدیریت تالاب‌ها با یکدیگر همکاری داشته باشند و در این امر بهترین دانش موجود را به همراه دانش محلی مدنظر قرار دهند و ظرفیت‌سازی برای اجرای رهیافت‌های مشارکتی را با بذل توجه ویژه به آموزش از جمله مردم محلی را در اولویت امور قرار دهند. سپس در فهرست منافع ناشی

1. Rec.4.10: The Guidelines for the Implementation of the Wise Use Concept.

2. Res.5.6: The Additional Guidance for the Implementation of the Wise Use Concept.

3. Rec.6.3: Involving Local and Indigenous People in the Management of Ramsar Wetlands, Proceedings of the 6th Meeting of the Conference of the Contracting Parties (Brisbane, Australia, 19-27 March 1996).

4. Resolution VII.8: Guidelines for establishing and Strengthening Local Communities and Indigenous People's Participation in the Management of Wetlands, ["People and Wetlands: The Vital Link", 7th Meeting of the Conference of Parties to the Convention on Wetlands, San Jose, Costa Rica, 10-18 May 1999].

از مدیریت مشارکتی برای بومی‌ها و جوامع محلی که در نتیجه مطالعات موردی به دست آمده است. حفظ ارزش‌های معنوی و فرهنگی مرتبط با تالاب، دسترسی منصفانه به منافع تالاب، افزایش ظرفیت و قدرت محلی، کاهش منازعات بین ذی‌نفع‌ها و حفظ عملکردهای اکوسیستمی را در بین دیگر منافع عنوان می‌کند.

رهیافت چهارم - در این بخش رهیافت رژیم حقوقی سه منطقه از جهان یعنی قطب جنوب، اروپا و آفریقا نسبت به بومی‌ها و جوامع محلی به عنوان استثناء مورد بحث قرار می‌گیرند:

قطب جنوب: در اینجا با بررسی پروتکل حفاظت محیط زیستی پیمان جنوبگان (۱۹۹۱)^۱ به رهیافت کلی رژیم حقوقی قطب جنوب نسبت به بومی‌ها و جوامع محلی پی می‌بریم. تصویب این پروتکل اقدامی ویژه برای حفاظت از محیط زیست قطب جنوب و اکوسیستم‌های مرتبط و وابسته به آن است و نه تنظیم بهره‌برداری از آن.

پروتکل فوق هیچ‌گونه اشاره‌ای به بومی‌ها و جوامع محلی نمی‌کند و در گزارش ارزیابی بیست ساله پروتکل^۲ نیز تغییری در این خصوص دیده نمی‌شود. این مسأله جای تعجب ندارد چراکه براساس بند ۱ ماده ۳ این پروتکل، جنوبگان، به عنوان منطقه نامسکون بکر و رام نشده ارزشگذاری می‌شود و البته فقدان نسبی مردم و هر گونه نشانه‌های حضور و فعالیت مردم در گذشته و حال، ویژگی کلیدی چنین منطقه‌ای است. در چنین شرایطی محیط زیست در اولویت تصمیمات مدیریتی قرار می‌گیرد. در عین حال چنین منطقه‌ای سزاوار حفاظت است.

حفاظت از این منطقه علاوه بر دلیل بکر بودنش، به واسطه اطلاعات علمی که از آن به دست می‌آید و ارزشی که به عنوان مقصد توریستی دارد از اهمیت برخوردار است. به نظر محقق ارزش جنوبگان به عنوان منطقه بکر و نامسکون و دست نخورده را به دو صورت می‌توان تفسیر کرد: نخست اینکه به واسطه این ویژگی نمی‌توان انتظار داشت اسناد مرتبط با جنوبگان حقوقی برای بومی‌ها و جوامع محلی مدنظر قرار دهند و دوم اینکه اگر در منطقه جنوبگان به زیستگاه‌های کوچک انسانی برخورد نماییم قاعدتاً این زیستگاه‌ها باید متعلق به بومی‌های این منطقه باشند.

اروپا: در این قسمت با بررسی کنوانسیون برن (۱۹۷۹)^۳ به رهیافت سیاستی اروپا در

1. *Protocol on Environmental Protection to the Antarctic Treaty*, Oct.4, 1991, reprinted in 30 ILM 1461 (1991)

2. The Antarctic Environmental Protocol (1991-2011), available at: http://asoc.org/storage/documents/Meetings/ATCM/XXXIV/The_Antarctic_Environmental_Protocol_1991-2011.

3. Convention on the Conservation of European Wildlife and Natural Habitats (Berne), *Op.cit.*, note 106.

قبال بومی‌ها و جوامع محلی پی می‌بریم. کنوانسیون برن سه هدف عمده را تعقیب می‌کند: حفاظت از گیاهان و جانوران وحشی و زیستگاه‌هایی آنها، بذل توجه خاص به گونه‌های تحت خطر و صدمه‌پذیر از جمله گونه‌های مهاجر و ارتقای همکاری بین‌المللی. از آنجایی که بسیاری از پرندگان مهاجر اروپایی در آفریقا و آسیا (از جمله ایران) قشلاق می‌کنند، مواد کنوانسیون این الزام به حفاظت را برای اعضا محدود نمی‌کند و اعضا باید مناطق مهم برای این گونه‌ها را در خارج از حوزه صلاحیت ملی خود نیز حفاظت کنند. این حفاظت می‌تواند به اشکال مختلف باشد مثل همکاری با کشورهای کمتر توسعه یافته در خصوص مسیرهای مهاجرت و نیز یاری‌رسانی به آنها در خصوص فعالیت‌های حفاظتی. این موازین به واسطه موازین ویژه و هدفمند مرتبط با ضمایم این کنوانسیون تقویت می‌شوند. ضمیمه یک، جانوران تحت حفاظت شدید و ضمیمه دو، جانوران حفاظت شده را پوشش می‌دهند (مواد ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰). در متن کنوانسیون برن هیچ‌گونه اشاره‌ای به بومی‌ها و جوامع محلی نمی‌شود و صرفاً در بند ۱ ماده ۹ اشاره بسیار جزئی به علایق عامه می‌شود.

جای تعجب دارد که به‌رغم وجود جوامع بومی مهم و سازمان یافته‌ای چون سامی‌ها که در گفتار آتی مورد بحث قرار می‌گیرند، هیچ‌گونه اشاره‌ای چه در دل این کنوانسیون و چه در دو سند مصوب اتحادیه اروپا یعنی دستورالعمل سال ۱۹۷۹ شورا در خصوص پرندگان وحشی^۱ و دستورالعمل سال ۱۹۹۲ شورا در خصوص حفاظت از زیستگاه‌های طبیعی و جانوران و گیاهان وحشی^۲ که هر دو برای اجرای مؤثر کنوانسیون برن به تصویب رسیدند، به بومی‌ها و جوامع محلی نمی‌شود و این امر نشان می‌دهد رهیافت سیاستی اروپا به جوامع بومی بهای چندانی نمی‌دهد.

آفریقا: در این بخش با بررسی کنوانسیون آفریقایی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی (۲۰۰۳) متوجه رهیافت سیاستی آفریقا نسبت به بومی‌ها و جوامع محلی می‌شویم. در مقدمه این کنوانسیون آمده که کنترل منابع طبیعی و انسانی قاره آفریقا برای ارتقای وضعیت مردم آفریقا، وظیفه اوست و کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا موازینی را برای تضمین حفاظت، استفاده و گسترش منابع خاک، آب، گیاهان و جانوران مطابق با اصول علمی و با توجه به علایق مردم اتخاذ نمایند (بند ۴ ماده ۳). همچنین دولت‌های متعاقد باید قوانین مناسبی را در خصوص شکار و صید تصویب کنند (بدون اشاره به روش‌های سنتی شکار بومی‌ها، بند ۲ ماده ۷). دولت‌های مزبور همچنین لازم است موازین قانونی لازم

1. Council Directive 79/409/EEC of 2 April 1979 on the Conservation of Wild Birds [OJ L 103,25 April 1979]

2. EC Directive 92/43/EEC of 21 May 1992. *Op.cit*, note. 102

را اتخاذ نمایند تا حقوق عرفی را با مواد این کنوانسیون آشتی دهند (ماده ۱۱).^۱ این کنوانسیون در ماده ۸ خود از اهمیت درک ارتباط تنگاتنگ بین مردم کشورهای عضو (بدون تمایز بومی و غیربومی) و طبیعت صحبت می‌کند و لزوم آموزش عموم را در زمینه موازین قانونی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی یادآور می‌شود. این عدم تمایز بین بومی و غیربومی را می‌توان ناشی از آن دانست که گروهی از دولت‌های آفریقایی بر این عقیده‌اند که «در آفریقا مردمان متمایزی با عنوان بومی وجود ندارند؛ چراکه همه مردم آفریقا بومی هستند».^۲ (همه آنها یک ویژگی مشترک دارند، همگی یک تاریخ بی‌عدالتی را تجربه کرده‌اند: کشته شده‌اند، شکنجه شده‌اند، به بردگی گرفته شده‌اند یا قربانی نسل‌کشی بوده‌اند؛ فتح و استعمار تلاش کرده تا منزلت و هویت این مردمان را بدزدد و آنها را محروم از حق بر تعیین سرنوشت سازد). سپس در بند ۲ ماده ۱۴ خود لازم می‌داند که برنامه‌های توسعه توجه کامل به عوامل بوم‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی داشته باشند (بدون اشاره به وضعیت متمایز اقتصادی و اجتماعی بومی‌ها و جوامع محلی).

مسئله تأسفبار این است که کنوانسیون مزبور هنوز به تصویب دستکم ۱۵ کشور نرسیده است تا لازم‌الاجرا و برای کشورهای عضو الزام‌آور شود و این نشان از سیاق سیاسی خاص و مسئله تبعیض نژادی در آفریقا و هراس دولت‌های آفریقایی از به خطر افتادن وحدت ملی به واسطه پذیرش و شناسایی هویت‌های قومی و فرهنگی سیاهپوستان آفریقا دارد. اکثر کشورهای آفریقایی هنوز برای حل‌وفصل تناقض‌های گذشته استعماری خود و نظام‌های حقوقی به ارث رسیده از آن زمان با حقوق عرفی و هنجارهای مردم خود با درجات مختلف موفقیت تلاش می‌کنند. «از دوران استعمار نقش حقوق سنتی مردم آفریقا به تدریج تحلیل رفته و حقوق محلی به میان می‌آید. بدیع بودن این حقوق در این نکته نهفته است که منشأ آن حکومت است و به اراده آن حکومت بر مردم نظارت بهتری دارد؛ از یک‌سو به عنوان حقوق محرومان مطرح می‌شود و از سوی دیگر حقوق حاکمان نیز مطرح است و سلطه آنها را افزایش و تحکیم می‌بخشد».^۳

به نظر کنت نادوزی «امروزه بسیاری از کشورهای آفریقایی در فرایند وضع قوانینی

۱. توضیح اینکه جوامع بومی طبیعت را برای اهداف معیشتی و فرهنگی، فعالانه مورد استفاده و توسعه قرار می‌دهند. کارهایی همچون شکار، مراسم مذهبی و برداشت از منابع طبیعی ممکن است در تضاد با قوانین محیط زیستی مرتبط با حفاظت از جانوران وحشی باشد.

2. John B. Henriksen, "Key Principles in Implementing ILO Convention 169, Program to Promote ILO Convention No. 169, (2008), 8.

۳. نوربر رولان، انسان‌شناسی حقوقی، برگردان از امیر نیک‌پی (تهران: جنگل، ۱۳۸۵)، ۹۶-۹۷.

هستند که اعمال و نظام‌های سنتی حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی را مورد شناسایی قرار می‌دهند. این مفاهیم در برنامه‌ها و کارها دخیل می‌شوند. این روند بر ظهور رژیم‌ها و چارچوب‌های دستیابی به منابع و تسهیم منافع تأثیرگذار خواهد بود.^۱ با توجه به آنچه گفته شد، به نظر محقق می‌توان به نوعی به آینده بومی‌ها و جوامع محلی در سیاق رژیم حقوقی آفریقا امیدوار بود.

نتیجه‌گیری

برای اعطای هر گونه حقوق به بومی‌ها و جوامع محلی و تعیین تکالیف ناشی از بهره‌مندی از این حقوق ابتدا باید بتوان این جوامع را به درستی مورد شناسایی قرار داد. این امر ایجاب می‌کند که در ابتدا تعریفی واحد و جامع از این جوامع در دست باشد؛ اما یافته‌های این تحقیق بازتاب ضعف و ناتوانی جامعه حقوق بین‌الملل محیط زیست در دستیابی به یک چنین تعریفی است. در بدترین حالت، وجود بومی‌ها و جوامع محلی، کلاً انکار شده و با در پیش گرفتن سیاست همگون‌سازی که قطعاً به ضرر ضعیف‌ها و به سود قوی‌ترها و اکثریت منجر می‌شود، تمایزی بین آنها و عامه مردم در نظر گرفته نشده است تا مبادا با پذیرش و شناسایی هویت‌های قومی و فرهنگی، وحدت ملی به خطر افتد.

در حوزه عملی (روند اجرای عملی کنوانسیون‌ها) با تغییر رهیافت نسبت به بومی‌ها و جوامع محلی و تقویت جایگاه و ارزش این جوامع مواجه می‌شویم. شاید این تغییر رهیافت به آن سبب باشد که بسیاری از معاهدات بین‌المللی در حوزه حیات‌وحش پیش از ظهور مفاهیم پایداری و توسعه پایدار منعقد شده‌اند؛ لیکن ویژگی انعطاف‌پذیر بسیاری از آنها باعث شده تا با ظهور این مفاهیم از اهمیت امتزاج سیاست‌های محیط زیستی، اقتصادی و حفاظت از تنوع زیستی و نقش بومی‌ها و جوامع محلی در دستیابی به توسعه پایدار آگاه شوند. بومی‌ها و جوامع محلی دیگر صرفاً استفاده‌کنندگان از منابع حیات‌وحش نیستند، بلکه در مدیریت و حفاظت پایدار این منابع دخالت داده می‌شوند. در پیشینه اجرایی این معاهدات با ذکر ارزش‌ها و منافع غیراقتصادی جانوران وحشی، بر انگیزه‌های غیراقتصادی بومی‌ها و جوامع محلی در حفاظت از حیات‌وحش صحنه گذارده می‌شود. همچنین ضمن تأکید بر اهمیت امنیت غذایی، عرف، معاش، هویت فرهنگی و معنوی بومی‌ها و جوامع محلی، سعی بر این است که بین نیازهای مختلف این جوامع و حفاظت از منابع مختلف حیات‌وحش توازن برقرار گردد. با بررسی عملکرد این کنوانسیون‌ها همچنین متوجه حضور بومی‌ها و جوامع

1. K. Nnadozie, *African Perspectives on Genetic Resources: A Handbook on Laws, Policies and Institutions Governing Access and Benefit Sharing*, Environmental Law Institute, 34, 2003.

محلی در زمره ذی‌نفع‌های حفاظت و مدیریت پایدار و اهمیت فزاینده مشارکت مؤثر آنها و زمینه‌سازی برای سهیم شدن این جوامع، بر پایه دانش سنتی و محلی خود، در مسؤولیت دولت‌ها در حفاظت و مدیریت پایدار منابع حیات‌وحش می‌گردیم؛ ولی مفهوم مشارکت طیف گسترده‌ای دارد و در این اسناد میزان و مفهوم آن در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند. در عین حال، حفظ تنوع زیستی نمی‌تواند انجام شود یا پایدار باشد، اگر به مسأله حراست از تنوع فرهنگی به منظور حفظ دانش سنتی مرتبط با محیط زیست و منابع آن توجه نشود، ارتباطی که بین حراست از تنوع فرهنگی و حفظ تنوع زیستی وجود دارد به دلیل این واقعیت است که تنوع زیستی موجود نمی‌تواند رونق داشته باشد، اگر تنوع وسیع دانش سنتی، نوآوری‌ها و اعمال مرتبط با محیط زیست و اکوسیستم حفظ نشود. در حفظ تنوع فرهنگی باید صاحبان گنجینه دانش سنتی، نوآوری‌ها و اعمال سنتی مدنظر قرار گیرند و این امر به طور تلویحی اشاره به حقوق بشر و بُعد اجتماعی و اقتصادی حفاظت از محیط زیست دارد و فراتر از حق بر محیط زیست پاک و ایمن و به سوی هنجار تمامیت فرهنگی پیش می‌رود که هدفش جلوگیری از فعالیت‌هایی است که موجب انحطاط محیط زیست و منابعی می‌شوند که برای پایداری فرهنگ و روش زندگی سنتی بومی‌ها و جوامع محلی حیاتی هستند.

از سویی، حفاظت از تنوع زیستی (که شامل حیات‌وحش نیز می‌شود) در سلامت دراز مدت اکوسیستم نقش اساسی دارد؛ اما حفظ این تنوع زیستی و در مفهوم وسیع‌تر، حفظ محیط زیست، قابل دستیابی نخواهد بود مگر با حفظ و حراست از میراث فرهنگی ناملموس، تنوع وسیعی از دانش، نوآوری و اعمال سنتی مرتبط با محیط زیست و اکوسیستم. از سوی دیگر دلایل فراوانی برای دولت‌ها وجود دارد تا گام‌هایی برای حمایت قانونی از دانش سنتی بردارند، دلایلی اخلاقی چون برآورده ساختن الزامات اخلاقی نسبت به جوامع بومی - محلی، دلایل حقوقی مثل متابعت از معاهدات بین‌المللی در خصوص جانوران وحشی و دلایل فایده‌گرایانه همانند رفاه اقتصادی بومی و محلی؛ لیکن به نظر می‌رسد که نمی‌توان به مسأله حمایت از دانش سنتی جدای از نیازها، علاقه و حقوق بنیادی دارندگان دانش سنتی و نوآوری‌ها، اعمال، فناوری‌ها و جوامع آنها به خوبی پرداخت.

از این‌رو لازم است اظهارنظر نهایی در مورد جایگاه بومی‌ها و جوامع محلی در حقوق بین‌الملل حفاظت از جانوران وحشی، به بعد از بررسی وضعیت آنها در اسناد حقوق بشری، حقوق مالکیت فکری و حقوق میراث فرهنگی، موکول شود. هدف از این بررسی و تجزیه و تحلیل، شناسایی الزاماتی است که در این حوزه‌های حقوقی به هم مرتبط، بر دوش دولت‌ها و به منظور حفظ و حراست از بومی‌ها و جوامع محلی، دانش سنتی آنها و تمامیت فرهنگی

آنها، قرار دارد و نیز تعیین اینکه در کدام یک از زمینه‌ها جای امید و پیشرفت هنوز باقی است. در عین حال، اگر دولت‌ها می‌خواهند تحت معاهدات مختلف، تعهدات خود را در قبال دخالت و مشارکت فعال بومی‌ها و جوامع محلی در حفاظت و مدیریت پایدار منابع محیط زیست، به ویژه جانوران وحشی، به خوبی و با جدیت تمام و با موفقیت به انجام رسانند، ابتدا باید این جوامع را مورد شناسایی قرار دهند و این امر مستلزم ارائه تعریفی کارآمد و واحد از این جوامع در سطوح ملی و بین‌المللی است. در عین حال، دستیابی به راه‌حل‌های پایا برای چالش‌های محیط زیستی و توسعه امکان‌ناپذیر خواهد بود؛ اگر سیاست‌ها در چارچوب صرفاً اعلام حقوق آنها در بهره‌برداری از منابع باشد. در این راستا لازم است دولت‌ها با وضع قوانین و مقررات لازم (برای مثال در زمینه‌های کسب رضایت قبلی از بومی‌ها و جوامع محلی، نحوه و معیار تسهیم عادلانه منافع با آنها، حقوق جمعی آنها در خصوص زمین‌ها و منابع طبیعی، معیار شناسایی و تثبیت نهادهای سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها و ...) تصریح نمایند چطور بازیگرهای متعدد در عرصه حقوق بین‌الملل باید در امور برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی، اجرا و مدیریت با یکدیگر و با دولت در تعامل باشند و نماینده آنها کیست و کانال ارتباطی بین آنها کدام است؟

در سطح داخلی نیز، با توجه به وجود جوامع مهم و چشمگیر عشایر و کوچ‌رو، پیشنهاد می‌شود دولت جمهوری اسلامی ایران، در سیاست‌گذاری‌های خود، تعامل موجود بین الزامات ناشی از حوزه‌های مختلف حقوق محیط زیست، حقوق بشر، حقوق میراث فرهنگی و حقوق مالکیت فکری را مدنظر داشته باشد. در این راستا لزوم انجام پروژه‌های تحقیقاتی میان رشته‌ای، حیاتی و انکارناپذیر است و تحقیقات تک بُعدی برای حل چالش‌های محیط زیستی و توسعه، ناقص و ناکارآمد خواهد بود. همچنین ضروری است تضمین نماید، در وضع قوانین و مقررات حاکم بر حفاظت از منابع محیط زیست و به ویژه جانوران وحشی و اجرای این قوانین و مقررات، عدالت محیط زیستی رعایت می‌شود. در این راستا باسد یادآور شد که برای برقراری عدالت، باید به آگاهی دست یافت و در غیر این صورت باید به عدالت بر مبنای اجبار تن داد؛ اما زمانی که قوانین نهادینه نشده باشند، به‌رغم نظارت مستمر و همراه با زور، ارتکاب مخفیانه جرایم و تخلفات ادامه خواهد داشت.

منابع فارسی

۱. رولان، نوربر. انسان‌شناسی حقوقی. ترجمه امیر نیک‌پی. تهران: جنگل، ۱۳۸۵.

منابع خارجی

1. Aargau, S. V. *Switzerland Bundesgericht*, Federal Tribunal: 1 Nov. 2000.
2. Blake J. E. *International Wildlife Protection Law*, *Shahid Beheshti University*, forthcoming 2012.
3. Blake, J. E. "The Importance and Legal Significance of the Role of Cultural Diversity in the Preservation of Biological Diversity", *Environmental Sciences 1* (Autumn 2003): 15-26.
4. Brown C., *Sovereignty, Rights and Justice: International, Political Theory Today*, Cambridge: Polity, 2002.
5. Bursh, R. L. "Indigenous Knowledge and Biodiversity in Indigenous Peoples, their Environment and Territories" in: D. A. Posey (ed.), *Cultural and Spiritual Values of Biodiversity*, IT Publications, 1999.
6. Caldwell L. K. L., *International Environmental Policy*, Duke University Press, 1992.
7. Cobo, K. M. Study of the Problem of Discrimination against Indigenous Populations, UN Document E/CN.4/Sub.2/1986/7Add.4, Para. 379.
8. Dutfield G., *Intellectual Property, Biogenetic Resources and Traditional Knowledge*, Earthscan, 2004.
9. Dutfield G., "Protecting Traditional Knowledge and Folklore: A Review of Progress in Diplomacy and Policy Formation", UNCTAD-ICTSD Project on IPRs and Sustainable Development UNCTAD-ICTSD ISSUE Paper No.1 (2003)
10. Fitzmaurice M. *Contemporary Issues in International Environmental Law*, Edward Elgar Publishing Inc. 2009.
11. Goodland R. and H.E. Daly, "Poverty Alleviation Is Essential for Environmental Sustainability", *Environ. Work. Pap. No. 42*. Washington D.C. World Bank (1993)
12. Henriksen John B., "Key Principles in Implementing ILO Convention 169, Program to Promote ILO Convention No. 169, (2008): 8.
13. King R. T., "The Future of Wildlife in Forest Land Use", *Transactions of the North American Wildlife and Natural Resources Conferences 12* (1947): 454-467.
14. Lasimbang J., "Indigenous Peoples and Local Economic Development", @Local.glob, Issue No. 5 (2008)
15. Leopold A. *A Sand Almanac*, New York: Oxford University Press, 1966.
16. Lichtenstein G., "Vicuna Conservation and Poverty Alleviation? Andean Communities and International Fiber Markets" *International Journal of Commons*, 4 (1) (2010).

17. Nnadozie K. *African Perspectives on Genetic Resources: A Handbook on Laws, Policies and Institutions Governing Access and Benefit Sharing*, Environmental Law Institute, 2003.
18. O'Neal Amy E. et. al., "Human Economics, the Land Ethic, and Sustainable Conservation", *Biology*, 9 (1), (1995): 217.
19. Pakse L., "Wildlife Conservation and Local Communities in Sarawak, Malaysia", *Paper Presented at the Second Regional Forum for Southeast Asia of the IUCN World Commission for Protected Areas*, Dec. 1999.
20. Paterson B., "Ethics for Wildlife Conservation: Overcoming the Human-Nature Dualism", *Bioscience*, 56 (2) (2006): 144-150.
21. Posey D. A. and G. Dutfield, *Beyond Intellectual Property: Toward Traditional Resource Rights for Indigenous Peoples and Local Communities*, International Development Research Center, Ottawa, 1996.
22. Sands Ph. *Principles of International Environmental Law*, Cambridge University Press, 2003.
23. Western D, "Conservation Science in Africa and the Role of International Collaboration", *Conservation Biology* 17(1) (2003): 11-19.

منابع اینترنتی

1. <http://www.uow.edu.au/~sharonb/STS300/equity/meaning/integen.html>.
<http://en.wikipedia.org/wiki/community> available through <http://www.jstor.org/stable/2385406>.
 2. Convention for Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage (2003), available online at: <http://www.unesdoc.org/images/0013/001325/13254oe.pdf>
 3. International Treaty on Plant Genetic Resources for Food and Agriculture, Nov. 3, 2001, available online at: <http://www.fao.org/Legal/TREATIES>.
 4. The Antarctic Environmental Protocol (1991-2011), available at: http://asoc.org/storage/documents/Meetings/ATCM/XXXIV/The_Antarctic_Environmental_Protocol_1991-2011.
 5. World Conference on Science, Declaration on Science and the Use of Scientific Knowledge, Budapest, 1999 online available at: http://www.unesco.org/general/eng/programmes/science/wcs/eng/declaration_e.htm
http://en.wikipedia.org/wiki/Precautionary_principle.
- www.iwcoffice.org/conservation_and_management/
<http://www.unep.org/igb/pdf/sustainableuse.pdf>.
http://www.manitobachiefs.com/policy/research/documents/FPIC_EN-G_11;908WEB.pdf

معاهدات و دیگر اسناد حقوقی

1. Agreement on Conservation of Polar Bears, Oslo, 15 Nov. 1973, in force May 1976 [13 ILM 13 (1973)].
2. CBD COP7, Kuala Lumpur, Malaysia, 9-20 Feb. 2004, Decision VII/16F, Akwe: Kon, Voluntary Guidelines for the Conduct of Cultural, Environmental and Social Impact Assessment Regarding Developments Proposed to Take Place on, or which are Likely to Impact on Sacred Sites and on Lands.
3. Charter of the United Nations, 59 Stat. 1031, TS No. 993.
4. Conference of the Parties to the Convention on Biological Diversity, The Hague, 5. Netherlands, 7-19 April 2002 [CBD COP 6], Decision VI/24, "Bonn Guidelines on Access to Genetic Resources and Fair and Equitable Sharing of the Benefits Arising out of their Utilization".
6. Convention for the Conservation and Management of the Vicuna (Lima), 20 7. Dec. 1979, IELMT 979:94.
7. Convention for the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, 23 Nov. 1972, 27 UST 37; 1037 UNTS 151.
8. Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora, Sixty-first Meeting of the Standing Committee, Geneva(Switzerland) 15-19 Aug: 2011, S C 61 Doc.42.
9. Convention to Combat Desertification in those Countries Experiencing Serious Drought and/or Desertification, 17 June 1994, 33 ILM (1994).
10. Council Directive 79/409/EEC of 2 April 1979 on the Conservation of Wild Birds [OJ L 103, 25 April 1979].
11. Decision 24 COM. WHC. 11/01, Nov.2011, Operational Guidelines for the Implementation of World Heritage Convention.
12. Declaration from the Summit on Sustainable Development (Johannesburg, September 2002).
13. Declaration on the Rights of Indigenous Peoples (2007), G.A.Res.61, 1295, U.N.Doc.A/RES/47/1(2007).
14. Interim Convention on Conservation of North Pacific Fur Seals 1976, 27 UST 3371.
15. International Convention for the Regulation of Whaling (Washington) 2 Dec. 1946, 16/UNTS 72.
16. International Covenant on Civil and Political Rights, Dec. 16, 1966, G.A. Res. 2200(XXI) 1.
17. J P Kastrop-tex.Int'l/LJ, 1997-Heinonline.
18. Mataatua Declaration on Cultural and Intellectual Property Rights of

- Indigenous People - June 1993, 823 U.N.T.S. 231, 10 I.L.M. 289 (1993), proclaimed by the General Assembly in its resolution 45/164 of 18 December 1990.
19. Operational Directive (OD 4.20) on “Indigenous Peoples”.
 20. Protocol on Environmental Protection to the Antarctic Treaty, Oct.4, 1991, reprinted in 30 ILM 1461 (1991).
 21. Ramsar Convention on Wetlands of International Importance Especially as Waterfowl Habitat (Ramsar) 2 Feb. 1971, 22 ILM 698 (1982).
 22. Rec.4.10: The Guidelines for the Implementation of the Wise Use Concept.
 - Rec.6.3: Involving Local and Indigenous People in the Management of Ramsar Wetlands, Proceedings of the 6th Meeting of the Conference of the Contracting Parties (Brisbane, Australia, 19-27 March 1996).
 23. Report of the World Commission on Environment and Development (WCED), (1987).
 24. Res.5.6: The Additional Guidance for the Implementation of the Wise Use Concept.
 25. Resolution VII.8: Guidelines for establishing and Strengthening Local Communities and Indigenous People’s Participation in the Management of Wetlands, [“People and Wetlands: The Vital Link”, 7th Meeting of the Conference of Parties to the Convention on Wetlands, San Jose, Costa Rica, 10-18 May 1999].
 26. Strategic Plan for Biodiversity 2011-2020 and the Aichi Biodiversity Targets: <http://www.cbd.int/decision/cop/?id=12268>.
 27. Sustainable Use of Biodiversity: Adis Ababa Principles and Guidelines Resolution IX.1 Annex A Adopted by COP3 (1987) and COP7 (1999).
 28. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, reprinted in 993 UNTS 3, 6 ILM 360 (1967).
 29. The International Labor Organization Convention 169 Concerning Indigenous and Tribal Peoples in Independent Countries, 27 June 1989, 28 ILM 1382 (1989).
 30. UNCED, Agenda 21 (United Nations, 1993).
 31. United Nations Conference on Environment and Development, Rio Declaration on Environment and Development, U N Doc. A/CONF. 151/S/ Rev. 1, 1992, reprinted in 31 ILM 874 (1992).
 32. United Nations Conference on the Human Environment, Report of the United Nations Conference on the Human -Environment, U.N. Doc. A/ CONF. 48/14/Rev.1 and Corr.1 (1972), reprinted in 11 ILM 1416 (1972)

-
- United Nations Conference on the Man and Environment, Stockholm-1972
UN Doc. A/CONF in 11 ILM. 1416 (1972).
33. United Nations, World Conference on Human Rights, Vienna Declaration and Programme of Action, U.N.Doc A/CONF. 157/24 (part 1) (1993), reprinted in 32 ILM 1661 (1993).
34. World Charter for Nature 1982, UNGA Res.37/7,28 October 1982; 23ILM 455 (1983).
35. World Development Report (World Bank, 1998).

Indigenous and Local Communities under International Wildlife Protection Law

Janet Elizabeth Blake
Fatemeh Rezaipour

Abstract:

International era, in the last few decades, has witnessed the emergence of a variety of non-governmental actors such as indigenous and local communities and the gradual emphasis on bottom-up approaches to sustainable development, has proved the necessity for the presence of these actors and has considered empowering them a basic prerequisite in the struggle with global challenges.

The present article aims to determine the extent to which the values and traditional practices of indigenous and local communities are integrated into international policy making and investigate their situation especially in international wildlife protection law.

Key words:

Indigenous and Local Communities, Traditional Knowledge, Sustainable Development, International Wildlife Protection Law, Human Rights Law, Cultural Heritage Law, Intellectual Property Law.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XIV, No. 2

2015-2

- Independence or lack of independence mosque: Study on draft of “support of management, construction, equipping and renovation of mosques and prayer rooms in the country”
Babak Darvishi- Keyvan Sedaghati
- Indigenous and Local Communities under International Wildlife Protection Law
Janet Elizabeth Blake - Fatemeh Rezaipour
- A Comparative Analysis of Civil Liability of Caretaker over the Actions of Persons in Need of Care in the Iranian and English Law
Alireza Yazdanian - Elnaz Ghodsi
- Legitimacy of Amnesties in International Law
Mahin Sobhani
- ISIS’s International Crimes in the light of Criminal Justice
Armin Talaat
- Treaties over time in jurisprudence: Evaluation of the Judgment of the International Court of Justice in the Case Concerning the Dispute Regarding Navigational and Related Rights
Farzaneh Seifzadeh
- Criteria for Limiting Human Rights and Liberties
Yalda Khosravi
- The Role of the Union of South American Nations in the Maintenance of International and Regional Peace and Security
Alireza Ranjbar
- Name and trademark: the process of registration and related rights
Eisa Rajabi
- La victime en Espagne: acteur privilégié du procès pénal
Mohammad Ali Mahdavi Sabet - Ehsan Abbaszadeh



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study